Presented by: Rana Jabir Abbas

jabir.abbas@yahoo.com

۳۷۳۱

Contact : jabir.abbas@yahoo.com

http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

کتاب بحر المعارف جلد اول مهر الف در باب معرفت و مبدء خلقت

بازدید شد
۱۳۸۴

بازدیدی شد
۹۰-۳۱

۱۰۴۳۴

کتابخانه مجلس شورای ملی
کتاب بحر المعارف
مؤلف طاعبد الصمد هدایت
مترجم
شماره ثبت کتاب ۵۰۸۵۲ / ۹۲۲۵
شماره قفسه ۳۷۳۱ ۱۰۴۲۴

ملی - فهرست شده
۱۰۴۲۴

jabir.abbas@yahoo.com

کتاب بحر المعارف جلد اول مهر الف در باب معرفت و مبدء خلقت

بازدید شد
۱۳۸۴

بازدیدی شد
۹۰-۳۱

۱۰۴۳۴

کتابخانه مجلس شورای ملی
کتاب بحر المعارف
مؤلف طاعبد الصمد هدایت
مترجم
شماره ثبت کتاب ۵۰۸۵۲ / ۹۲۲۵
شماره قفسه ۳۷۳۱ ۱۰۴۲۴

ملی - فهرست شده
۱۰۴۲۴

Contact : jabir.abbas@yahoo.com
http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

[illegible]

بسم الله الرحمن الرحیم وبه نستعین

اللهم یا واحد یا احد یا فرد یا صمد صل علی صفوتک وصفوة خلقک محمد صلی الله علیه وآله

[illegible]

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com

http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com

http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com

http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

فصل

فصل

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com
http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com

http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

Contact : jabir.abbas@yahoo.com
http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com

http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

Contact : jabir.abbas@yahoo.com

http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

چنانچه می‌بینم که هر چند بیدار از جهت اضعاف و مضاعف دیگران چیزی نه دارد اگر سالک خواهد که بر جهت از صفات ذمیمه خلاصی یابد
عمری زحمده ماه و روشن گذارد هم دیگر صفت نخواهد نمود بر دون آمده و چون در پرورش صفتی خرج نماید صفت دیگر مثل هم بر و پس کار بجاده نخواهد
فهمده الطریقة طریقة ارباب المجاهدة و طرائقه فی تبدیل الاخلاق و تزکیة النفس و تصفیة القلب بتجلیه الروح و سمی فیما تعلق بعمارات الباطن فقده
الطریقة تسمی بطریقة الابرار و ثانیه بطریقة ارباب المعاملات بکثرة الصوم و الصلوة و تلاوة القرآن و حج و جهاد و غیرها من الاعمال الظاهرة و هو
طریق الاخیار قالوا صعود عجزة الطریقة فی زمان الطویل فقیل و کذا الطریقة الاولی التی هی طریق ارباب المجاهدة و الریاضة لکن الوصول
بالاولی اکثر وجودا زیرا من کان متوارا کان متصورا و هیهات مجرمین فی مقام مرتبة نفسک قال اردم نفسی فی مقام اشتغل منذ ثلثین
سنة فقال فنیت همتک فی عمارة الباطن فاین انت من لقاء الله فی ابد و انما طریق الاخیار الی الله و الطریق الابرار الی الله و هو طریق
الفطار سمی الله بحجة الله فی جادة المحجة قالوا صعود همتهم فی البدایات اکثر من عزیمهم فی النهایات فهذه الطریقة سهلة الی و هی بنیة عمالوت
بالاماره و سیاتی تفصیله انشاء الله فی المرتبة الثالثة ثم طریقة فاقتان و کیفیات و طریقة زیادان و کثرة ذکر و تعلق بالخلق و ترتیب احوال
و اعمال و ترقی در ریاضت مشغول شود و بخواهند که از اعمال و اوراد ان چیزی ترک نماید و اقتان در خواب ظاهر و غیر بگن کوشند ای عزیز همکس
بحکمه ارسید بحجه آلی رسید و سن لا خلا بالکتاب و مجاهده شخص هم و نیک بیفزاید شد و از ابرار صعد و هیهات و از درجات قرب
بغیر بهره بیشتر نیست این کار دولت است اکنون تا کرا رسد و چگونه بالکتاب رفع حجاب توان کرد و نفس الکتاب از جهت حجاب
بالکتاب کریم که رفع شود حجاب الکتاب بالحجب رفع توان کرد ای عزیز بیان بنده و معراج بسیار است از زر و ظلمت از رفع حجاب ظلمانی
بانقطاع آن است و از رفع حجاب نورانی بانقطاع التفات بآن است انقطاع التفات گفتم نه نفی التفات آن است چگونه التفات بالذات
منفی گردد و حال بحجاب نفس حجاب الکتاب بالحجب است و صفت حجاب است و حجب حجاب است و چنین حجب رفع نمیتواند کرد الا از آلهی بر وجه
سالک غالب آید و از باز ساند و از التفات بحجب و از و صف خود و از بمنهج و سنت بکمالات خود نماند و بنده خود کرد و که
تا غایة بنده ذکر محبت و معرفت او بنده ذکر و بنده محبت و بنده او نه بنده نه ذکر و محبوب بنده نه معرفت او نه بنده نه معروف
هر چه کم در بنده آید سالک باید و در بنده کمک شیخ عدم کمک پیش نباشد تا بنده در این بنداست نه بنده خدا است الی چون این حال
و اینکس عاشق عشق همه و همچو بنده چو الی عشق خود بنده است هر چه از او دوست و اشغل چو است آن نقشی و رسیا بر کار او باید و الا چو فنا
چو جالب و سرا از حجب نه سرب الیه نیست بگذر از غیر خدا از سن عدا و عدا فوت الله قال الله و مع الله و با الله و فی الله
رو الله ون مصری بگویم که روزی با دشاه زاده را گرد که تمام از در سید سن بگذشت سن با سن سن می گفتم که بسیج اصح تر از آن ضعیف بود که
با قوی در سید بیفتد و او در آید و گفت این چه سخن است گفتم آدمی ضعیف چه بیست که با منه قوی در سید بیفتد و آن جوان از لون تغیر
شده و برفت روز دیگر با نامه و گفت طریق بگو که تا کجاست گفتم بگذر این سه است و طریق دیگر اگر اگر طریق دیگر که ترک خواهی ترک دنیا
و ترک لذات و ترک معاصی و اگر اگر راه بخواهی ترک هر چه غیر حق تعالی است و دل را از آنچه تا کون گفت لا و الله لا الی الا الطریق
الا گرد روز دیگر بیفتاده پرسیده و در راه شده تا از جمله ابدالان شده بصحبت از جمله اصحاب رضی الله عنهم اجمعین آمد و بهمت گرد عقد پرسیده

jabir.abbas@yahoo.com

بود و بخدمت حضرت رسول صلی الله علیه آله و اصحابه و سلم رسید و گفت انظر و ایها الذی نزرند قلبه الطریقة بین ایدیه عبد
و ربه بالمطیع الطاعم و الشراب و القدر بات علیه صلة شریه بالای در سیم نه تا خیر نه و در راه الی مترون ای عزیز چون راه تا
که طریقه شطار بهترین طرق الی الله است به کدام طریقه حاصل می شود گفتم که آلهی و شش ره مرشد کامل راه رفته و آلهی و الهند این ضعیف
این جا نه وارد و در فضیلت و ثمرة آن و بیان طرق انوار و چند فصل ذکر خواهد شد و فی الجمله الاشارة عند عزة رجال الا تعلیم
تجارة و لا بیع عن ذکر الله ان الله جعل الذکر جلاء للقلوب یسمع به بعد الرقة و یبصر به بعد الغشوة و ینقاد به بعد
المعاندة و ما برح به تذکر عزة الامة فی الرتبة بعده و فی زمان الفترات جهاذا ما هم فی ذکر هم و کلهم فی ذات مقومهم فاقتصر هنا نور
یقتضه فی الاسماء و الابصار و الافئدة یذکرون بایامه اند و یخوفون مقاعده لیتذکر الا و ثقة فی العقدات من اخذ الوثقة حمد و ایله
طریقه و بشره و به بالتجاة و من اخذ یمینا و شمالا ذر و ثمره و ایله الطریق و حده ذره و من الحذر فکانا کلات مصابیح تلک الظلمات و ان الذکر
للباطل اضد و ثمره من لذة نیا هم تعلم تجارة و لا بیع عزة یعظمون به ایام الحیرة و یعتقون بالذر و هر عن حرام الله فی السماء الخافقین و یرون
و یامرون به و مینهون عن الذکر و یتبارون عنه فکانا اقطعوا لذنیا و الاخرة و هم فیها ناع هذه ماره اذ لک فکانا الطعمة الغیب
اهل الهرج فی طول الاناة فیه و حقیقت الغیبة علیهم عدم تعاقبهم عظاء و ذلک لاهل الله نیا کانهم یرون الایری الناس سبه مرون مالا
یسمع الناس نلو شتهم بقرابات فی مقاومهم المحورة و هی لهم المشهودة و قد نشروا و دنیا عاهم و فرقوا فی سبته انفسهم علی کل صغیرة و کبیرة
امروا بها فقصته و انهاوا عنها فقرطوا فیها و جلوا نفسل او زارهم فظهورهم فصعقون من لا یستقلون بها فتحیرا انشی او تحاوروا بحیث لا یقدرون
الی رجعهم سن مقامهم و هم واقعون ارایت علامة ذلک و مصابیح دجی قد حفت بهم الملائکة و نزلت علیهم السکینة و فتحت لهم ابواب السماء
و اعدت لهم مقاعد فی المقعد الصدق عند ملیک مقتدر فرضی سیهم و وعدهم فشهدون به فاذا برح الخفاء و زایلهم الغشاوة الی فضله و ساری ذلة
لحظة و برح طول الاناة قد بهم و طول البکاء عیونهم فکل باب رغبة الی الله منهم به قارعة یستدرون من لا یضیق له الرحمة و ذلک بحب
علیه از محبوب فی حجاب نفک فان غیر الانس لا نفس لها حاجب قال المحقق ابن سینا هم فی حرم قرة القدس ما لو قد علم من لغشاوة
من لغفلة و برغبة الجنین ما قیل و دون الهناء و البرهة المدة الطویلة من زمان و یعتقون بنصوص و الرایح بعد المسافة من مکان
و زمان و التشبیح بعد النفس عند البکاء و الی و جع جمع ضنع فقد ران قد سبق زمان قرنه بعد المعاندة اما ضنع بالاشارة الی
الله کره و فضیلة و فایده قاله تعالی لقد کان فی قصصهم عبرة لاولی الالباب و ما کان حدیثا یفتری و لکن تصدیق الذی بین یدیه و تفصیل
کل شی و هدی و رحمة لقوم یؤمنون فاذکرونی اذکرکم و اشکروا لی و لا تکفرون فاذکروا الله ذکرا کثیرا و سبحوه بکرة و اصیلا
هو الذی یصلی علیکم و ملائکته لیخرجکم من الظلمات الی النور و کان بالمؤمنین رحیما تحیتهم یوم یلقونه سلام و اعد لهم اجرا کریما
فاذکرونی اذکرکم و اشکروا لی و لا تکفرون فاذکروا الله ذکرا کثیرا و سبحوه بکرة و اصیلا هو الذی یصلی علیکم و ملائکته لیخرجکم من الظلمات الی النور و کان بالمؤمنین رحیما تحیتهم یوم یلقونه سلام و اعد لهم اجرا کریما
فاذکرونی اذکرکم و اشکروا لی و لا تکفرون فاذکروا الله ذکرا کثیرا و سبحوه بکرة و اصیلا هو الذی یصلی علیکم و ملائکته لیخرجکم من الظلمات الی النور و کان بالمؤمنین رحیما تحیتهم یوم یلقونه سلام و اعد لهم اجرا کریما
فاذکرونی اذکرکم و اشکروا لی و لا تکفرون فاذکروا الله ذکرا کثیرا و سبحوه بکرة و اصیلا هو الذی یصلی علیکم و ملائکته لیخرجکم من الظلمات الی النور و کان بالمؤمنین رحیما تحیتهم یوم یلقونه سلام و اعد لهم اجرا کریما

http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com

http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

Contact : jabir.abbas@yahoo.com

http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

Contact : jabir.abbas@yahoo.com

http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

Contact : jabir.abbas@yahoo.com

http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

Contact : jabir.abbas@yahoo.com

http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com

http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

Contact : jabir.abbas@yahoo.com

http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

Contact : jabir.abbas@yahoo.com

http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com

http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com

http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com

http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com

http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com

http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

Contact : jabir.abbas@yahoo.com
http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

مراد از تقلید و قلیل ممنوع و کثرت حجت نیست بدین قول خدای تعالی وقلیل من عبادی الشکور بلکه کثرت در بسیاری از امور مذموم است
چنانچه خدای تعالی فرموده لا خیر فی کثیر من نجواهم و کم من فئة قلیلة غلبت فئة کثیرة باذن الله والله مع الصابرین و اگر
مراد از آن اجماعیست که از اتفاق اهل حل و عقد در روز وفات حضرت رسالت صلی الله علیه و آله حاصل شده باشد مراد در ابطال طریق آن بیک
طریق که بسقفات آن در مذهب حق بتحقیق پیوسته و اگر بالزام ترا آن می‌کرد اول آن این است که اجماع نزد من حجت نمی‌باشد الا بقول
معصوم در آن و هر اجماعی که قول او در آن نباشد بمذهب ما حجت نیست زیرا که بر هر یک از آن آحاد اهل اجماع [illegible]
درست باشد دوم ابطال آن طریق که [illegible] مستقیم است و آن این است که اجماع چنانچه گذشت اتفاق حل و عقد است از امت محمد
مصطفی صلی الله علیه و آله بر امری از امور و این معنی حاصل نشده در امامت ابوبکر در روز سقیفه چه فضلای صحابه و زهاد و علما و اشراف و سادات
بسیار بودند و در سقیفه بنی ساعده حاضر نشده بودند و باتفاق است که علی و عباس [illegible]
و جماعتی از بنی هاشم و غیر ایشان از صحابه بسبب حضرت رسالت صلی الله علیه و آله و تجهیز او مشتغل بودند و چون انصار اشتغال حضرت
امیر را بلوازم مصیبت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و عدم التفات او را بخلافت دیدند در سقیفه بنی ساعده جمع شدند بجهة نظم امور
خود و در تعیین امیری اهتمام داشتند و چون ابوبکر و عمر و ابو عبیده جراح و جمعی از طلقا که با ایشان بودند خبر اجتماع انصار را شنیدند بجانب
سقیفه دویدند [illegible] تا آنکه انصار زبان بمقاله منا امیر و منکم امیر گشودند و ابوبکر و اصحابش [illegible]
شده روایت خود را که الائمة من قریش بر ایشان حجت نمودند و مع هذا بشیر بن سعد را که از رؤسای انصار بود و بر حسد سعد
بن عباده که قرعه اختیار امارت انصار بر اسم او افتاده بود فریب داده با خود یار ساختند لاجرم عمر و ابو عبیده باستظهار بشیر بن
سعد مبادرت به بیعت ابوبکر نمودند و دست بر دست او زدند و گفتند السلام علیک یا خلیفة رسول الله و از این جا معلوم میشود
که بیعت ابوبکر در روز سقیفه از روی مکر و حیله و فریب و قهر بوده و لهذا عمر گفت که کانت بیعة ابی بکر فلتة وقی الله المسلمین
شرها و من عاد الی مثلها فاقتلوه و همراه فضلای صحابه و زهاد و ذوی [illegible] از مهاجر و انصار در آنجا حاضر نبودند و بیعت
ابوبکر ننمودند پس چگونه اجماعی که مدعای شما است بهم رسید و فاضل بر دو چون این مقدمات را شنید گفت آنچه ذکر نمودی مسلم است
لیکن [illegible] روز سقیفه حاضر نبودند بعد از آن با دیگران در بیعت ابوبکر موافقت نمودند [illegible]
علیه السلام اتفاق ایشان [illegible] واقع شده باشد و این در اجماع شرط نیست گفتم حصول موافقت [illegible]
چنانچه تو گمان بردی حجت نمی‌شود زیرا که احتمال اکراه و اجبار و تقیه را در آن راه است بنابر آنکه چون اشراف و علما و زهاد دیدند
که [illegible] خلاف عوام کالانعام را که از روی عدم بصیرت [illegible] میل میکنند و از دنبال هر لقمه میدوند فریب داده
[illegible] شده و بزرگان ایشان را [illegible] تقلید امور [illegible] ولایت بلاد [illegible] لاجرم از مخالفت ایشان بر جان خود
ترسیدند و از روی تقیه و اکراه تابع ایشان گردیدند و بیعت و انقیادی که از روی اکراه باشد باجماع [illegible] باطل است
بر دو گفت که از کجا دانسته که ایشان از روی تقیه و اکراه تابع شدند [illegible] گفتم که در علم میزان مقرر شده

که از [illegible]

آن دو

که او اجماع را [illegible] بطلان این استدلال و احتمال اکراه در این اجماع قایم است بنا بر آنکه باطل باشد [illegible] عبارت اکراه در جمیع
از روایات ظاهر شده از آنجمله آنکه ابن ابی الحدید معتزلی که از مستوفیان سنت است [illegible] در باب فضایل عمر گفته که عمر هو الذی
وطأ الامر لابی بکر و قام فیه حتی انه دفع فی صدر المقداد و کسر سیف الزبیر و کان قد شهره علیهم و این غایت اکراه است و دیگر آنکه ابن
ابی الحدید نیز روایت کرده است از براء بن عازب که گفت من همیشه محب اهل بیت رسالت بودم و چون حضرت رسالت صلی الله علیه و آله وفات
یافت حزین ماندم و بسیار ترسیدم [illegible] از خانه بیرون آمدم تا ببینم که مردم در چه کارند که دیدم که ابوبکر و عمر و ابو عبیده در گروهی
میروند و جمعی از طلقا بر ایشان [illegible] هر یک از مسلمانان که بر ایشان میرسید [illegible] با ابوبکر
بیعت کن چنانکه دیگران بیعت کرده‌اند خواهی و نخواهی از او بیعت میگرفتند و چون این حالت را دیدم [illegible]
[illegible] و خبر آنجماعت بایشان رسانیدم [illegible] حضرت [illegible]
بسم الله الرحمن الرحیم الم احسب الناس ان یترکوا ان یقولوا آمنا وهم لا یفتنون و عباس [illegible]
تربت ایدیکم یا بنی هاشم الی آخر الزمان [illegible] و این روایت نیز دال است بر اکراه و دیگر [illegible] علی و عباس [illegible] خلافت ابوبکر
خود داشتند و دیگر آنکه این روایت مشهور است که چون سعد بن عباده در روز سقیفه حاضر بود از بیعت ابوبکر امتناع نمود ابوبکر با مردم
خود گفت [illegible] سعد را و روایت دیگر آن است که گفت اقتلوا سعدا و دیگر این روایت نیز مشهور است که چون ابوبکر
در جمعه اول از ایام خلافت خود بر بالای منبر رفت دوازده نفر از جمله جوانان قریش و [illegible] نفر از انصار بر پا خاستند و بالا رفتن او را
بر منبر حضرت پیغمبر انکار کردند و چندان در آن باب [illegible] کردند که ابوبکر بر بالای منبر مبهوت ماند [illegible]
تا عمر [illegible] با ابوبکر درشتی کرده گفت ای لکع اذا کنت لا تقوم بحجة فلم اقمت نفسک فی هذا المقام آنگاه دست ابوبکر
گرفته از منبر بزیر آورده بخانه آورد و چون روز جمعه دیگر رسید با جمعی کثیر مانند سعد بن وقاص و خالد بن ولید و همراه هر یک
از ایشان [illegible] شمشیرها کشیده بمسجد درآمدند و چون نظر عمر بحضرت امیر و جماعتی از صحابه
مانند سلمان و غیره که با او بودند افتاد [illegible] گفت ای اصحاب علی اگر یکی امروز از شما تکلم
بکند که [illegible] چشمهای او را از سرش بیرون خواهم کرد و سلمان [illegible] گفت صدق رسول
الله صلی الله علیه و آله انه قال بینما اخی وابن عمی جالس فی مسجدی اذ وثب علیه طائفة من کلاب اهل النار
یریدون قتله وقتل من معه ولا اشک انکم منهم [illegible] حضرت امیر [illegible] او را گرفت و بر زمین [illegible]
[illegible] لولا کتاب من الله سبق و عهد من
رسول الله صلی الله علیه و آله تقدم الیکم انا اقل عددا و اضعف ناصرا آنگاه آن حضرت با اصحاب خود گفت
[illegible] ظاهر میشود که بیعت ابوبکر از روی اکراه بوده و آنکه جماعتی که در روز سقیفه
از بیعت او تخلف ورزیدند [illegible] که بعد از آن نیز ترک مبایعت نمایند و این هنگام اجماعی که مدعی بود حاصل نشود

و واسطه [illegible] حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله بوده و خلافت امیر المؤمنین علیه السلام [illegible] و فاضل بر دو اعتراف ببطلان این دلیل نمود
گفت دلیل دیگر بر حقیت ابوبکر دارم گفتم آن کدام است گفت که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله در مرض موت امر نمود مردم را که در خلف
ابوبکر نماز گذارند و این دلیل است بر تقدیم او بر سایر صحابه زیرا که مقدم در نماز مقدم است در غیر آن نیز [illegible]
گفتم این دلیل از چند وجه ضعیف و باطل است اول آنکه خبر تقدیم ابوبکر در نماز اگر صحیح باشد [illegible] در تقدیر صحت دلالت
بر امامت او [illegible] از حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله بر امامت او [illegible]
[illegible] من قریش محتاج گردید [illegible] با اهل سقیفه حجت آوردی و طریق الزام [illegible] انصار
[illegible] و خلافت موقوف [illegible] خلاف در آن واقع شده و چون
چنان نصی که موجب [illegible] معلوم شده که ایشان را در آن نصی [illegible] تمسک از
از احتجاج آن [illegible] و دیگر آنکه تقدیم در نماز دلالت ندارد بر امامت عامه که عبارت است از ریاست در امور دین و دنیا به نیابت
رسول خدا صلی الله علیه و آله زیرا که خاص دلالت بر عام ندارد [illegible]
[illegible] و اتفاق است [illegible] عدالت شرط است [illegible]
پس چگونه [illegible] و دیگر آنکه روایت تقدیم [illegible]
ابوبکر را در نماز متفق علیه نیست زیرا که [illegible] آن است که چون بلال آمد [illegible] وقت نماز خبر داد
عایشه [illegible] حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله [illegible] بلال گفت که با ابوبکر بگوی که امامت نماز مردم
بکند و چون بلال گمان چنان کرد که امر حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله [illegible] واقع شده است بیامد و ابوبکر را [illegible]
و چون ابوبکر پیش ایستاد و تکبیر نماز گفت حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله بهوش آمد و آواز تکبیر او را شنید پرسید که این کیست
که با مردم امامت نماز میکند گفتند ابوبکر است [illegible] فرمود که مرا بمسجد برید که در اسلام فتنه عظیمی حادث شد [illegible]
و فضل بن عباس [illegible] بیرون رفت و چون بمحراب رسید ابوبکر را [illegible] و بنفس نفیس امامت مردم [illegible]
دعوی اهل سنت که امامت ابوبکر بامر حضرت رسول صلی الله علیه و آله بوده [illegible] از چند وجه اول آنکه اتفاق واقع است [illegible]
بلال رسید [illegible] که باو گفته باشد یا بلال قل لابی بکر [illegible]
[illegible] احتمال کذب [illegible] زیرا که باتفاق آن واسطه
معصوم نبوده [illegible] احتمال کذب [illegible]
[illegible] حضرت رسالت صلی الله علیه و آله [illegible] بنفس نفیس خود امامت مردم
نمود [illegible] دلالت بر آن دارد [illegible]
از محراب [illegible] نماز بنفس نفیس [illegible]

١٥

مسلم داریم که اول بار بامر او بوده باشد [illegible] عزل نبی او را [illegible] چگونه گمان [illegible] از برای آن بوده که نقص و عدم صلاحیت
او بجهة تقدیم در امری از امور [illegible] ظاهر شود زیرا که مشهور است که او صلاحیت ندارد امامت نماز را زیرا که از غایت پستی
رتبه تقدیم فاسق [illegible] جایز است [illegible] که امام عادل [illegible] جمیع امام باشد و بسیار
شبیه است این قضیه بقضیه برائت و عزل او از آن [illegible]
[illegible] و نقص او بر جمهور [illegible] عدم صلاحیت او [illegible] بامامت ابوبکر
بامر کردن حضرت بنماز که از آن [illegible] و اتفاق آن نماز را تمام کرد [illegible] استدلال میکنند بر امامت حضرت امیر المؤمنین علیه السلام
با آنکه در وقتیکه حضرت رسالت صلی الله علیه و آله بغزای تبوک میرفت او را در مدینه خلیفه نمود و اتفاق است که او را معزول ننمود زیرا که
در مدینه که دار هجرت آن حضرت است [illegible] و عزل کردن او [illegible]
او در دیگر امور زیرا که قایل بفرق نیست و چون سخن [illegible] باین مقام کشید [illegible]
گردید [illegible] که من مات ولم یعرف
امام زمانه مات میتة جاهلیة [illegible]
[illegible] اتفاق است گفتم پس بگو که امام تو کیست گفت [illegible]
[illegible] که من مات ولم یعرف امام زمانه الذی هو القرآن مات میتة جاهلیة گفتم بنابر این
لازم می‌آید که تعلم قرآن بر هر یک از مردم واجب عینی باشد [illegible] گفت تمام قرآن مراد نیست
بلکه مراد [illegible] که قرائت آنها [illegible] در صحت نماز [illegible] واجب عینی [illegible] گفتم که حضرت رسالت صلی الله علیه و آله در این حدیث
امام را [illegible] گفته که من مات ولم یعرف امام زمانه و تخصیص امام باهل زمانه [illegible] در حدیث واقع است دلیل است
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
پس من و تو برابر [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
رسالت صلی الله علیه و آله فرموده که من لم یوجد عن امام زمانه الهادی [illegible] که من لم یعرف مکان امام
زمانه و الحمد لله که من او را شناختم و ترا اعتقاد آن است که امام نداری و اگر زمان تو از امام خالی است پس من و تو برابر

jabir.abbas@yahoo.com
Contact : jabir.abbas@yahoo.com
http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

Contact : jabir.abbas@yahoo.com
http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

أكفرت بالذي خلقك من تراب ثم من نطفة ثم سواك رجلاً فقد جعله له صاحباً وقال الهذلي ولقد غدوت
وصاحبي وحشية تحت الرداء بصيرة بالمشرق وقال الأزدي ولقد رعيت الوحش فيه وصاحبي محض القوائم من هجان هيكل يعني فرسه فحماً
وأما قوله إن الله معنا فإنه تعالى مع البر والفاجر أما سمعت قوله عز وجل ما يكون من نجوى ثلاثة إلا هو رابعهم ولا
خمسة إلا هو سادسهم ولا أدنى من ذلك ولا أكثر إلا هو معهم أينما كانوا وأما قوله لا تحزن فخبرني من حزن أبي بكر
كان طاعة أم معصية فإن زعمت أنه كان طاعة فقد جعلت النبي صلى الله عليه وآله ينهى عن الطاعة وهذا خلاف صفة الحكيم وإن زعمت أنها
معصية فأي فضيلة للعاصي وخبرني عن قوله عز وجل فأنزل الله سكينته عليه على من قال إسحاق فقلت على أبي بكر لأن النبي صلى الله عليه وآله
كان مستغنياً عن السكينة قال فخبرني عن قوله عز وجل ويوم حنين إذ أعجبتكم كثرتكم فلم تغن عنكم شيئاً وضاقت
عليكم الأرض بما رحبت ثم وليتم مدبرين ثم أنزل الله سكينته على رسوله وعلى المؤمنين أتدري من المؤمنين الذين
أراد الله تعالى في هذا الموضع قال قلت لا فقال إن الناس انهزموا يوم حنين فلم يبق مع النبي صلى الله عليه وآله إلا سبعة من بني هاشم علي يضرب
بسيفه والعباس آخذ بلجام بغلة النبي والخمسة محدقون بالنبي خوفاً من أن يناله سلاح الكفار حتى أعطى الله تبارك وتعالى رسوله الظفر عنى بالمؤمنين في
هذا الموضع علياً عليه السلام ومن حضر من بني هاشم فمن كان أفضل من كان مع النبي فنزلت السكينة على النبي وعليه أم من كان في الغار مع النبي
ولم يره أهلاً لنزولها عليه يا إسحاق من أفضل من كان مع النبي في الغار أم من نام على فراشه ووقاه بنفسه حتى تم للنبي صلى الله عليه وآله
ما عزم عليه من الهجرة إن الله تبارك وتعالى أمر نبيه أن يأمر علياً بالنوم على فراشه ووقايته بنفسه فأمره بذلك فقال علي عليه السلام أتسلم يا نبي
الله قال نعم قال سمعاً وطاعة ثم أتى مضجعه وتسجى بثوبه وأحدق المشركون به لا يشكون في أنه النبي وقد أجمعوا أن يضربه من كل بطن من قريش
رجل ضربة لئلا يطلب الهاشميون بدمه وعلي يسمع بأمر القوم فيه من التدبير في تلف نفسه فلم يدعه ذلك إلى الجزع كما جزع أبو بكر في الغار وهو مع
النبي صلى الله عليه وآله وعلي وحده فلم يزل صابراً محتسباً فبعث الله تبارك وتعالى ملائكته فمنعته من مشركي قريش فلما أصبح قام فنظر القوم إليه فقالوا أين محمد
قال وما علمي به قالوا فأنت غررتنا ثم لحق بالنبي صلى الله عليه وآله فلم يزل علي عليه السلام أفضل لما بدا منه إلا خيراً حتى قبضه الله تعالى إليه وهو محمود مغفور
له يا إسحاق أما تروي حديث الولاية فقلت نعم قال أروه فرويته فقال أما ترى أنه أوجب لعلي عليه السلام ما لم يوجب لهما قلت إن الناس يقولون
إن هذا أوجب لزيد بن حارثة قال أين قال النبي هذا قلت بغدير خم بعد منصرفه من حجة الوداع قال فمتى قتل زيد بن حارثة قلت بمؤتة قال أفليس
كان قد قتل زيد قبل غدير خم قلت بلى قال فخبرني لو رأيت ابناً لك أتت عليه خمس عشرة سنة يقول مولاي مولى ابن عمي أيها الناس اقبلوا أكنت تكره ذلك
فقلت بلى قال أفتنزه ابنك عما لا تنزه النبي عنه ويحكم أجعلتم فقهاءكم أربابكم إن الله عز وجل يقول اتخذوا أحبارهم ورهبانهم أرباباً من دون
الله والله ما صاموا لهم ولا صلوا لهم ولكنهم أمروهم فأطاعوهم ثم قال أتروي قول النبي صلى الله عليه وآله لعلي عليه السلام أنت مني بمنزلة هارون
من موسى قلت نعم قال أما تعلم أن هارون أخو موسى لأبيه وأمه قلت بلى قال فعلي كذلك قلت لا قال فهارون نبي وليس علي كذلك
في المنزلة الثالثة إلا الخلافة وهذا كما قال المنافقون إنه استخلفه استثقالاً له فأراد أن يطيب نفسه وهذا كما حكى الله عز وجل عن موسى حيث
يقول لهارون اخلفني في قومي وأصلح ولا تتبع سبيل المفسدين فقلت إن موسى خلف هارون في قومه

وهو حي ثم مضى إلى ميقات ربه عز وجل قال فهل خرج النبي إلى ميقات الله عز وجل لمناجاة ربه فقلت نعم قال أوليس قد استخلف علياً على جميعهم قلت بلى قال
فقد خلف النبي صلى الله عليه وآله حين خرج في غزاته في الضعفاء والنساء والصبيان وإن كان أكثر قومه وكان قد جعله خليفة على
جميعهم والدليل على أنه جعله خليفة عليهم في حياته إذا غاب وبعد موته قوله علي مني بمنزلة هارون من موسى إلا أنه لا نبي بعدي
وهو وزير النبي صلى الله عليه وآله أيضاً بهذا القول لأن موسى عليه السلام قد دعا الله عز وجل فقال فيما دعا الله واجعل لي وزيراً من أهلي
هارون أخي اشدد به أزري وأشركه في أمري فإذا كان علي عليه السلام منه بمنزلة هارون من موسى فهو وزيره
كما كان هارون وزير موسى وهو خليفته ثم أقبل على أصحاب النظر والكلام فقال أسألكم أو تسألوني
فقالوا بل نسألك فقال قولوا فقال قائل منهم أليست إمامة علي عليه السلام من قبل الله تعالى نقل ذلك عن
الرسول صلى الله عليه وآله من نقل الفرض مثل الظهر أربع ركعات وفي مائتي درهم خمسة دراهم والحج إلى مكة فقال بلى قال فما بالهم
لم يختلفوا في جميع الفرض واختلفوا في خلافة علي عليه السلام وحدها قال المأمون لأن جميع الفرض لا يقع فيه من التنافس والرغبة ما يقع
في الخلافة فقال آخر ما أنكرت أن يكون النبي أمرهم باختيار رجل يقوم مقامه رأفة بهم ورقة عليهم أن يستخلف هو بنفسه فيعصى خليفته فينزل
العذاب قال أنكرت ذلك من قبل أن الله تعالى أرأف بخلقه من النبي وقد بعث نبيه إليهم وهو يعلم أن فيهم عاصياً ومطيعاً فلم يمنعه
ذلك من إرساله وعلة أخرى لو أمرهم باختيار رجل كان لا يخلو من أن يكون أمر الكل أو البعض فلا بد على هذا البعض علامة فإن قلت
الفقهاء فلا بد من تحديد الفقيه وسمته قال آخر فقد روي أن النبي صلى الله عليه وآله قال ما رآه المسلمون حسناً فهو عند الله تعالى حسن وما
رأوه قبيحاً فهو عند الله تعالى قبيح فقال لا بد من أن يريد كل المؤمنين أو البعض فإن أراد الكل فهو مفقود
لأن الكل لا يمكن اجتماعهم وإن كان البعض فقد روى كل في صاحبه حسناً مثل رواية الشيعة في علي عليه السلام
ورواية الحشوية في غيره فمتى يثبت ما تريدون من الإمامة فقال آخر فيجوز أن تزعم أن الإمامة لا أصل من الله تبارك وتعالى ولا من الرسول
وكيف يكون خليفته [illegible] قال آخر فما [illegible] من الإمامة [illegible] قال ما أبدع [illegible]
والمدعي من يزعم أن الإمامة [illegible] وأن الأمر إلى الاختيار [illegible] أن يكون في شركائه [illegible]
يؤتى بالبينة على هذا فقال آخر فما كان الواجب على علي عليه السلام بعد مضي رسول الله صلى الله عليه وآله قال ما فعله قال أفما وجب عليه أن يعلم الناس
أنه إمام فقال إن الإمامة لا تكون بفعل منه في نفسه ولا بفعل من الناس فيه من اختيار أو تفضيل أو غير ذلك إنما يكون بفعل من الله تعالى
فيه كما قال لإبراهيم عليه السلام إني جاعلك للناس إماماً وكما قال عز وجل للملائكة إني جاعل في الأرض خليفة وكما
قال لداود عليه السلام إنا جعلناك خليفة في الأرض فالإمام إنما يكون إماماً من قبل الله تعالى وباختياره إياه
في بدء الصنعة والتشريف في النسب والطهارة في المنشأ والعصمة في المستقبل ولو كانت بفعل منه في نفسه كان من فعل ذلك الفعل مستحقاً
للإمامة وإذا عمل خلافها اعتزل فيكون خليفة من قبل أفعاله قال آخر فلم أوجبت الإمامة لعلي عليه السلام بعد رسول الله صلى الله عليه وآله
قال لخروجه من الطفولية إلى الإيمان كخروج النبي من الطفولية إلى الإيمان والبراءة من الضلالة واجتنابه عن الشرك كبراءة النبي

من الضلالة واجتنابه من الشرك لأن الشرك ظلم ولا يكون الظالم إماماً ولا من عبد وثناً بإجماع ومن أشرك فقد حل من الله تعالى محل أعدائه
فالحكم فيه الشهادة عليه بما اجتمعت عليه الأمة حتى يجيء إجماع آخر مثله ولأن من حكم عليه مرة فلا يجوز أن يكون حاكماً فيكون الحاكم محكوماً
عليه فلا يكون حينئذ فرق بين الحاكم والمحكوم عليه قال آخر فلم لم يقاتل علي أبا بكر كما قاتل معاوية فقال المسألة محال لأن لم اقتضاء ولم يفعل نفي و
النفي لا يكون له علة وإنما العلة للإثبات وإنما يجب أن ينظر في أمر علي عليه السلام أمن قبل الله أو من قبل غيره فإن صح أنه
من قبل الله تعالى فالشك في تدبيره كفر لقوله تعالى فلا وربك لا يؤمنون حتى يحكموك فيما شجر بينهم ثم لا يجدوا في أنفسهم حرجاً
مما قضيت ويسلموا تسليماً فأفعال الفاعل تبع لأصله فإن كان قيامه عن الله عز وجل فأفعاله عنه وعلى الناس الرضا
والتسليم وقد ترك رسول الله صلى الله عليه وآله يوم الحديبية يوم صد المشركون هديه عن البيت فلما وجد الأعوان وقوي حارب كما قال الله
عز وجل فاصفح الصفح الجميل ثم قال عز وجل اقتلوا المشركين حيث وجدتموهم وخذوهم واحصروهم واقعدوا لهم كل
مرصد قال آخر إذا زعمت أن إمامة علي من قبل الله تعالى وأنه مفترض الطاعة فلم لم يجز إلا التبليغ والدعاء كما للأنبياء
وجاز لعلي أن يترك ما أمر به من دعوة الناس فقال المأمون إنا لم نزعم أن علياً عليه السلام أمر بالتبليغ فيكون رسولاً ولكنه وضع علماً بين
الله عز وجل وبين خلقه فمن تبعه كان مطيعاً ومن خالفه كان عاصياً فإن وجد أعواناً يتقوى بهم جاهد وإن لم يجد أعواناً فاللوم عليهم لا عليه لأنهم
أمروا بطاعته على كل حال ولم يؤمر هو بمجاهدتهم إلا بقوة فهو بمنزلة البيت على الناس الحج إليه فإذا حجوا أدوا ما عليهم وإذا لم يفعلوا كانت اللائمة
عليهم لا على البيت وقال آخر إذا أوجبت أنه لا بد من إمام مفترض الطاعة بالاضطرار فكيف يجب بالاضطرار أنه علي دون غيره فقال من قبل أن الله
عز وجل لا يفرض مجهولاً ولا يكون المفروض ممتنعاً إذ المجهول ممتنع ولا بد من دلالة الرسول على الفرض ليقطع العذر بين الله تعالى وبين عباده أرأيت
لو فرض الله تعالى على الناس صوم شهر ولم يعلم الناس أي شهر هو ولم يوسم كان على الناس استخراج ذلك بعقولهم حتى يصيبوا ما أراد الله تعالى فيكون الناس مستغنين
عن الرسول المبين لهم وعن الإمام الناقل خبر الرسول إليهم فقال آخر من أين أوجبت أن علياً كان بالغاً حين دعاه النبي فإن الناس يزعمون أنه كان صبياً
حين دعي ولم يكن جاز عليه الحكم ولا بلغ مبلغ الرجال فقال من قبل أنه لا يعرى في ذلك الوقت من أن يكون ممن أرسل إليه النبي ليدعوه فإن كان كذلك فهو
محتمل التكليف قوي على أداء الفرائض وإن كان ممن لم يرسل إليه فقد لزم النبي صلى الله عليه وآله قول الله عز وجل ولو تقول علينا بعض الأقاويل
لأخذنا منه باليمين ثم لقطعنا منه الوتين وكان مع ذلك فقد كلف النبي صلى الله عليه وآله عباد الله ما لا يطيقون من الله
وهذا من المحال الذي يمتنع كونه ولا يأمر به الحكيم ولا يدل عليه الرسول صلى الله عليه وآله تعالى الله من أن يأمر بالمحال وجل الرسول صلى الله عليه وآله من أن يأمر بخلاف ما
يمكن كونه في حكمة الحكيم فسكت القوم عند ذلك جميعاً فقال المأمون قد سألتموني ونقضتم علي أفأسألكم قالوا نعم قال أليس قد روت الأمة بإجماع
منها أن النبي صلى الله عليه وآله قال من كذب علي متعمداً فليتبوأ مقعده من النار قالوا بلى ورووا عنه صلى الله عليه وآله أنه قال من عصى الله
بمعصية صغرت أو كبرت ثم اتخذها ديناً ومضى مصراً عليها فهو مخلد بين أطباق الجحيم قالوا بلى قال فخبروني عن رجل تختاره الأمة فتنصبه خليفة هل يجوز أن
يقال له خليفة رسول الله صلى الله عليه وآله ومن قبل الله عز وجل ولم يستخلفه الرسول فإن قلتم نعم فقد كابرتم وإن قلتم لا وجب أن أبا بكر لم يكن خليفة رسول الله صلى الله عليه وآله
بدخول النار فخبروني في أي قوليكم صدقتم أفي قولكم مضى ولم يستخلف أو في قولكم لأبي بكر يا خليفة رسول الله فإن كنتم صدقتم في القولين فهذا ما لا يمكن

فاتقوا الله وانظروا لأنفسكم ودعوا التقليد وتجنبوا الشبهات فوالله ما يقبل الله عز وجل إلا من عبد لا يأتي إلا بما يعقل ولا يدخل إلا فيما يعلم أنه حق
والريب شك وإدمان الشك كفر بالله عز وجل وصاحبه في النار وخبروني هل يجوز أن يبتاع أحدكم عبداً فإذا ابتاعه صار مولاه وصار المشتري عبده قالوا لا قال
فكيف جاز أن يكون من اجتمعتم عليه أنتم لهواكم واستخلفتموه صار خليفة عليكم وأنتم سميتموه خليفة [illegible] وتقولون
إنه خليفة رسول الله صلى الله عليه وآله ثم إذا سخطتم عليه قتلتموه كما فعل بعثمان بن عفان فقال قائل منهم لأن الإمام وكيل المسلمين إذا
رضوا عنه ولوه وإذا سخطوا عليه عزلوه قال فلمن المسلمون والعباد والبلاد قالوا لله عز وجل قال فالله أولى أن يوكل على عباده وبلاده
من غيره لأن من إجماع الأمة أنه من أحدث في ملك غيره حدثاً فهو ضامن وليس له أن يحدث فإن فعل فآثم غارم ثم قال خبروني عن النبي صلى الله عليه وآله
هل استخلف حين مضى أم لا فقالوا لم يستخلف قال فتركه ذلك هدى أم ضلال قالوا هدى قال فعلى الناس أن يتبعوا الهدى ويتركوا الباطل قالوا
قد فعلوا ذلك قال فلم استخلف الناس بعده وقد تركه هو فترك فعله ضلال ومحال أن يكون خلاف الهدى هدى وإذا كان ترك الاستخلاف
هدى فلم استخلف أبو بكر ولم يفعله النبي ولم جعل عمر الأمر شورى بين المسلمين خلافاً على صاحبه لأنكم زعمتم أن النبي صلى الله عليه وآله لم يستخلف وأن أبا بكر استخلف
وعمر لم يترك الاستخلاف كما تركه النبي صلى الله عليه وآله بزعمكم ولم يستخلف كما فعل أبو بكر وجاء بمعنى ثالث فخبروني أي ذلك ترونه صواباً فإن رأيتم
فعل النبي صواباً فقد خطأتم أبا بكر وكذلك القول في بقية الأقاويل وخبروني أيهما أفضل ما فعله النبي بزعمكم من ترك الاستخلاف أو ما صنعت أنتم
من الاستخلاف وخبروني هل يجوز أن يكون بعد النبي إلا اختيار الصحابة منذ قبض النبي صلى الله عليه وآله إلى اليوم فإن قلتم لا فقد أوجبتم أن الناس كلهم عملوا
الضلالة بعد النبي وإن قلتم نعم كذبتم الأمة وأبطل قولكم الوجود الذي لا يدفع وخبروني عن قول الله عز وجل قل لمن ما في السماوات والأرض قل
لله أصدق هذا أم كذب قالوا صدق قال أفليس ما سوى الله لله إذ كان محدثه ومالكه قالوا نعم قال ففي هذا بطلان ما أوجبتم من اختياركم
خليفة تفترضون طاعته وتسمونه خليفة رسول الله وأنتم استخلفتموه وهو معزول عنكم إذا غضبتم عليه وعمل بخلاف محبتكم ومقتول إذا أبى الاعتزال
ويلكم لا تفتروا على الله كذباً فتلقوا وبال ذلك غداً إذا قمتم بين يدي الله عز وجل وإذا وردتم على رسول الله صلى الله عليه وآله وقد كذبتم عليه متعمدين وقد
قال من كذب علي متعمداً فليتبوأ مقعده من النار ثم استقبل القبلة ورفع يديه وقال اللهم إني قد نصحت لهم اللهم إني قد أرشدتهم اللهم
إني قد أخرجت ما وجب علي إخراجه من عنقي اللهم إني لم أدعهم في ريب ولا في شك اللهم إني أدين بالتقرب إليك بتقديم علي عليه السلام
على الخلق بعد نبيك كما أمر به نبيك ثم قال ثم افترقنا فلم نجتمع بعد ذلك حتى قبض المأمون وفي حديث آخر فسكت القوم فقال لهم
لم سكتم قالوا لا ندري ما نقول قال تكفيني هذه الحجة عليكم ثم أمر بإخراجهم قال فخرجنا متحيرين خجلين ثم نظر المأمون إلى الفضل بن سهل
فقال هذا أقصى ما عند القوم فلا يظن ظان أن جلالتي منعتهم من النقض علي واعلم أنهم لم يحضروا في غزاة النبي صلى الله عليه وآله وذلك
مع [illegible] كان مع صاحبه في سقيفة بني ساعدة في طلب الخلافة والإمارة [illegible] لم يحضروا [illegible] ولا دفنه
ولا تجهيزه ولا الصلاة عليه بل اشتغل عن ذلك المصاب الجليل والفادح العظيم بالقيل والقال والمنازعات والمخاصمات في أمر
الولاية [illegible] رسول الله وطلباً للرياسة وحباً للدنيا [illegible]
[illegible] في عقد البيعة لأبي بكر [illegible] الصحابة مع أنه رجل من [illegible]

Contact : jabir.abbas@yahoo.com
http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com

http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com

http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

Contact : jabir.abbas@yahoo.com
http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com

http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

Contact : jabir.abbas@yahoo.com
http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com

http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

Contact : jabir.abbas@yahoo.com

http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

Contact : jabir.abbas@yahoo.com
http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

Contact : jabir.abbas@yahoo.com http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

Contact : jabir.abbas@yahoo.com
http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com

http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com

http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

Contact : jabir.abbas@yahoo.com

http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com

http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

Contact : jabir.abbas@yahoo.com

http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

Contact : jabir.abbas@yahoo.com

http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

كف الماء الجاري من جريانه ويسكن هبوب الريح ويقف الطير ويقصف اوشن بحرا با فصه حضرت فلك بكل افق اجل من الذنب كل بده
الوحش فاوحى الله عز وجل اليه يا داود وانا خلقته بيدي ونفخت فيه من روحي واسجدت له ملائكتي والبسته ثوب كرامتي وزوجته امتي
وزوجته مين سر حسن تحت الحي وابحت اسما جنتي بما عصاني اخرجته من جواري وعزت عنه تاج وقاري يا داود ومن اطاعت
اقربناه ومن سالنا اعطيناه ومن عصانا امهلناه وان عاد الينا الي ما كان قبلناه وفي شرح الصحيحه عن ابي سعيد الخدري عن
النبي صلى الله عليه وآله قال ممن كان قبلكم قتل تسعا وتسعين نفسا فسال عن اعلم اهل الارض فدل على راهب فاتاه فقال انه قتل تسعا
وتسعين نفسا فهل له من توبة فقال لا فقتله وكمل مائة ثم سال عن اعلم اهل الارض فدل على رجل عالم فقال انه قتل مائة نفس فهل له من توبة
فقال نعم ومن يحول بينك وبين التوبة انطلق الى ارض كذا وكذا فان بها اناسا يعبدون الله فاعبد الله معهم ولا ترجع الى ارضك فانها
ارض سوء فانطلق حتى اذا انتصف الطريق اتاه الموت فاختصمت فيه ملائكة الرحمة وملائكة العذاب فقالت ملائكة الرحمة جاء تائبا
وقالت ملائكة العذاب فقال انه لم يعمل خيرا قط فاتاه ملك في صورة ادمي فجعلوه بينهم فقال قيسوا ما بينهما فوجدوه الى التي هي اقرب

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com

http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com

http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com

http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com

http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

jabir.abbas@yahoo.com

Presented by: Rana Jabir Abbas

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com

http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com

http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com

http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com

http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com

http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

[illegible]

فی الکرسی والعرش هو العلم الذی لا یقدر قدره احد [illegible]

[illegible]

و فی کتاب التوحید عن مولانا امیر المؤمنین علیه السلام ما من احد الا و لقلبه عینان

یدرک بهما الغیب فاذا اراد الله بعبد خیرا فتح له عینی قلبه [illegible]

[illegible] الطایفة اجمعوا علی ان العلم بالله عین الجهل به [illegible]

[illegible]

Contact : jabir.abbas@yahoo.com

http://fb.com/ranajabirabbas

jabir.abbas@yahoo.com

Presented by: Rana Jabir Abbas

Contact : jabir.abbas@yahoo.com

http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com

http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com

http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com

http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com

http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com

http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com

http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com

http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com

http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

البيضين المرسين وكانت ولاية الانبياء بالاصالة والرسل بالتبعية وكانت ولاية الانبياء بالاصالة والرسل بالتبعية
الفقرة
جزء المحن
jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com
http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com

http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

جمیع المراتب والمقامات نبیا کان او ولیا رسولا کان او وصیا والاوصیاء بهذه قال سید الاوصیاء فی خطبة البیان ما قال وسیاتی لفظات منه
والی مثل هذه المعنی المرتبة اشار مولانا جعفر الصادق علیه السلام فی قوله ان الصورة الانسانیة هی اکبر حجة الله علی خلقه وهی الکتاب الذی کتبه بیده وهی
الهیکل الذی بناه بحکمته وهی مجموع صور العالمین وهی المختصر من العلوم والمرقوم المحفوظ وهی الشاهد علی کل غائب وهی الحجة علی کل جاحد وهی الطریق المستقیم
الی کل خیر وهی الصراط الممدود بین الجنة والنار ثم اول الصراط والمار علیه شیء واحد فی کل خطوة یضع قدمه علی راسه یعنی یعمل علی مقتضی معرفته
التی هی بمنزلة راسه بل یضع راسه علی قدمه یعنی یمشی بمعرفته علی نتیجة عمله الذی کان بناؤه علی المعرفة السابقة حتی یقطع المنازل الی الله والی
المصیر وفی کتاب الغیبة للمفید رحمه الله باسناده فی تفسیر قوله تعالی واعتصموا بحبل الله جمیعا ولا تفرقوا ان الحبل الذی عنی به علی علیه السلام
انه قال کان رسول الله صلی الله علیه وآله ذات یوم جالسا فی المسجد واصحابه حوله فقال لهم یطلع علیکم رجل من اهل الجنة یسئل عما یعنیه قال فطلع رجل شبیه
برجال مصر فتقدم وسلم علی رسول الله صلی الله علیه وآله وجلس فقال یا رسول الله صلی الله علیک وآله انی سمعت الله یقول واعتصموا بحبل الله جمیعا ولا تفرقوا
فما الحبل الذی امر الله بالاعتصام به ولا نتفرق عنه قال فاطرق ساعة ثم رفع راسه واشار الی علی بن ابی طالب علیه السلام وقال هذا حبل الله الذی
من تمسک به عصم فی دنیاه ولم یضل فی آخرته قال فوثب الرجل الی علی بن ابی طالب علیه السلام واحتضنه من وراء ظهره وهو یقول اعتصمت بحبل الله
وحبل رسوله ثم قام فولی وخرج فقام رجل من الناس فقال یا رسول الله صلی الله علیک وآله الحقه واسئله ان یستغفر لی فقال رسول الله صلی الله علیه وآله
اذا تجده موفقا قال فلحقه الرجل وسئله ان یستغفر له فقال له هل فهمت ما قال لی رسول الله صلی الله علیه وآله وما قلت له قال الرجل نعم فقال له ان کنت
متمسکا بذلک الحبل فغفر الله لک والا فلا غفر الله لک وقد تبین من ذلک ان الامام هو الصراط المستقیم والمشی علی الصراط المستقیم
وان معرفته معرفة الصراط المستقیم ومعرفة المشی علی الصراط المستقیم وان من عرف الامام ومشی علی هداه جاز الصراط وعرفه ایاه فاز بدخول
الجنة والنجاة من النار ومن لم یعرف الامام لم یدر ما صنع فزل قدمه وتردی فی النار فاذا تحقق هذا فاعلم ان هذه الولایة للحقیقة المحمدیة بالاصالة ولامیر المؤمنین
بالوراثة ولا یکون بعده الا لاولاده المعصومین المنصوصین من الله بالامامة والخلافة وان المرتبتان لا یکون فی کل زمان الا لنبی ختم الانبیاء والاولیاء الذین جاء
واحدا عند التحقیق وهو محمد وعلی علیهما السلام ولا یکون لغیرهما من الانبیاء والاولیاء الا بالوراثة منهما والی هذا اشار القوم فی مصطلحهم بقولهم القطبیة
الکبری هی مرتبة قطب الاقطاب الا علی باطن خاتم النبوة وقالوا ایضا خاتم النبوة هو الذی ختم الله به النبوة ولا یکون الا واحدا وهو نبینا صلی الله علیه وآله
وکذا خاتم الولایة وهو الذی یتم به صلاح الدنیا والآخرة بنهایة الکمال ویختل بموته نظام العالم وهو المهدی علیه السلام الموعود آخر الزمان
وقد تحقق مما تقدم ان حقیقة علی علیه السلام وحقیقة النبی صلی الله علیه وآله واحدة وهذا هو المطلوب من هذا البحث وفی معرض هذا البحث من کلام
من الائمة علیهم السلام وورد عنهم علیهم السلام ایضا نحن حجة الله ونحن باب الله ونحن لسان الله ونحن وجه الله ونحن عین الله فی خلقه
ونحن ولاة امر الله فی عباده ونحن خزنة علم الله ونحن عیبة وحی الله واهل دین الله وعلینا نزل کتاب الله وبنا عبد الله ولولانا ما عرف الله
ونحن ورثة نبی الله وهر چند از بیان معنی ولایت که ذکر شد معلوم گشت که علی بن ابی طالب علیه السلام بعد از خاتم الانبیاء اشرف
وافضل واعلم از جمیع انبیاء وملائکه است ولیکن اخبار نیز که در این معنی وارد شده است این ضعیف ایراد مینماید وهم چنین اخباری
چنین که در اعلم بودن امیر المؤمنین علیه السلام وفضیلت او وسایر ائمه علیهم السلام وارد شده است ایراد مینماید تا سالک راه حق تم

معرفت

معرفت تام بآن نموده بهره استعانت از باطن ایشان در سلوک نماید روی فی کفایة الاثر عن الصادق علیه السلام انه قال قال
رسول الله صلی الله علیه وآله ان الله تعالی خلق لاخی علی بن ابی طالب علیه السلام فضائل لا تحصی کثرة فمن قرأ فضیلة من فضائله مقرا بها غفر
الله له من ذنبه ما تقدم وما تاخر ولو وافی القیمة بذنوب الثقلین ومن کتب فضیلة من فضائله لم تزل
وتستغفرون له ما بقی لتلک الکتابة رسم ومن استمع الی فضیلة من فضائله غفر الله له الذنوب التی اکتسبها بالسمع ومن نظر الی کتاب
من فضائله غفر الله له الذنوب التی اکتسبها بالنظر ثم قال النظر الی علی بن ابی طالب عبادة لا یقبل الله ایمان عبد الا بولایته وفی المجالس
بولایته والبرائة من اعدائه وفی کتاب عن ام سلمة رضی الله عنها قال سمعت رسول الله صلی الله علیه وآله یقول ما من قوم یجتمعون یذکرون فضل محمد
وآل محمد صلی الله علیه وآله الا هبطت ملائکة السماء یستغفرون لهم فاذا تفرق القوم عرجت الملائکة بما قالوه فتارج اقطار السماء بریح الیه
یصعد الکلم الطیب وفی تفسیره علیه السلام عند قوله تعالی الذی جعل لکم الارض فراشا عن امیر المؤمنین علیه السلام عن
النبی صلی الله علیه وآله فی حدیث طویل لو ان رجلا عمره الله تعالی مثل عمر الدنیا مائة الف مرة ورزق مثل اموالها مائة الف مرة فانفق
اموالها کلها فی سبیل الله وافنی عمره صائم نهاره وقائم لیله لا یفتر شیئا منه ولا یسام ثم لقی الله منطویا علی بغض محمد وبغض علی الا
اکبه الله علی منخره فی نار جهنم ولرد الله تعالی علیه اعماله واحبطها وفی المجالس عن ابی سلم قال خرجت مع الحسن البصری وانس بن مالک
حتی اتینا باب ام سلمة رضی الله عنها فقعد انس علی الباب ودخلت انا مع الحسن البصری فسمعته هو یقول السلام علیک یا اماه ورحمة الله وبرکاته
فقالت وعلیک السلام من انت یا بنی فقال انا الحسن البصری فقالت فیما جئت یا حسن فقال لتحدثنی بحدیث سمعته عن رسول الله
صلی الله علیه وآله فی علی بن ابی طالب علیه السلام فقالت ام سلمة والله لاحدثنک بحدیث سمعته اذنای من رسول الله صلی الله علیه وآله والا
فصمتا ورأته عینای والا فعمیتا ووعاه قلبی والا فطبع الله علیه واخرس لسانی ان لم اکن سمعت من رسول الله صلی الله علیه وآله یقول
لعلی بن ابی طالب علیه السلام یا علی ما من عبد لقی الله یوم یلقاه جاحدا لولایتک الا لقی الله بعبادة صنم او وثن قال فسمعت الحسن
البصری وهو یقول الله اکبر اشهد ان علیا مولای ومولی المؤمنین علیه السلام فلما خرج قال انس بن مالک مالی اراک تکبر قال
سئلت ام سلمة ان تحدثنی بحدیث سمعته عن رسول الله صلی الله علیه وآله فی علی فقالت لی کذا وکذا فقلت الله اکبر اشهد
ان علیا مولای ومولی کل مؤمن فسمعت عند ذلک انس بن مالک وهو یقول اشهد علی رسول الله صلی الله علیه وآله انه قال هذه
المقالة ثلث مرة واربع مرة وصحیح نماند که این حدیث دلالت بر جنس ما حسن می کند وفی المجالس عن سلمان الفارسی رضی الله عنه
قال مر ابلیس بنفر یتناولون امیر المؤمنین علیه السلام فوقف امامهم فقال القوم من الذی وقف امامنا فقال انا ابو مرة اما تسمع کلامی
فقال سوءة لکم تسبون مولاکم علی بن ابی طالب علیه السلام فقالوا له من این علمت انه مولانا فقال من قول نبیکم من کنت
مولاه فعلی مولاه فقالوا له انت من موالیه وشیعته فقال ما انا من موالیه ولا من شیعته ولکنی احبه ولا یبغضه احد الا
شارکته فی المال والولد فقالوا له یا ابا مرة فتقول فی علی علیه السلام شیئا فقال لهم اسمعوا منی معاشر الناکثین والقاسطین
والمارقین عبدت الله عز وجل فی الجان اثنی عشر الف سنة فلما اهلک الله الجان شکوت الی الله عز وجل الوحدة فعرج بی الی

Contact : jabir.abbas@yahoo.com
http://fb.com/ranajabirabbas
jabir.abbas@yahoo.com

Presented by: Rana Jabir Abbas

Contact : jabir.abbas@yahoo.com
http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com

http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com

http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com

http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

jabir.abbas@yahoo.com

Presented by: Rana Jabir Abbas

[illegible] وبمجرده [illegible] امور [illegible] ذلک لکم [illegible] لا فیالان انه [illegible] بنا الی غیره ونحن صنایع
لنا [illegible] من قعد منا ونحن صنایع ربنا والخلق بعد صنایع لنا فی نهج البلاغه فی جواب کتاب معاویه قال علیه السلام فانا
صنایع ربنا والناس بعد صنایع لنا   ای عزیز چون فهم بسیاری از اخبار متعلقه بذاته سوقوفست بر اینکه بعضی از اهل معرفت در
تنزیه و تشبیه ذکر نموده اند لهذا این ضعیف نیز ایراد و فیما به جاکه تنزیه حق از بعضی امور مقتضای عقل و عرف و وسعی [illegible]
تقیید ان جناب بما هو آن امر را و الاطلاق لمن یجب الاطلاق تقیید له عند الوصف مع انه مطلق من الاطلاق کما
انه مطلق عن التقیید پس هم جاکه قائل تشبیه بلا تنزیه ناقص المعرفتست چون محجوبست در تشبیه بحدی [illegible]
تقیید و محدود ساخته اند هم چنین قائل تنزیه بلا تشبیه از این جهت که تقیید حق مطلق ساخته و محدود و غیر محدود [illegible] آن امور که
حق را تنزیه کرده است از صور تعینات و تنوعات ظهورات سبحانه محروم و مهجور گشته لیدانند که تنزیه او از جسمانیات تشبیه اوست
بعقول و نفوس [illegible] از عقول و نفوس تشبیه است بمعانی مجرده از صور مقیده و تنزیه او از جمیع کمالات تشبیه
بعدمیات [illegible] غیر متناهیه تعالی عن ذلک علوا کبیرا پس موجودیست مستحق لوجود محض است در این قسم [illegible]
تحکم [illegible] پس عارف محقق و کامل موفق کسی است که حق را من حیث ذاته منزه از تشبیه و تنزیه داند و من حیث
تعینه بالاشیا و ظهوره بجامیان تشبیه و تنزیه جمع میکند و هر یک را در مقام خود ثابت دارد و حق را بجمیع وصف تنزیه
و تشبیه نعت کند بالاعتبارین کما جاء به الشرع من غیر انحراف بعقول القاصره الی تأویل آیات بالاصول و تعمیم عن لا افهم کیف المعقول
المقیده فی القوی المزاجیه المقیده الجزئیه مقیده جزئیه [illegible] العقول المقیده الجزئیه ان یدرک الحقایق المجرده المطلقه
من حیث هی کذلک الا ان یطلق عن قیوده بحسب شهوده و وجوده فان المحدث لا یدرک الا المحدث وقد جمع الله بین التشبیه
والتنزیه فی آیة واحده فقال لیس کمثله شیء فنزه وهو السمیع البصیر فشبه وان کان الکاف غیر زایده ویکون معنی
الآیة انه لا سمیع و لا بصیر فی الحقیقه الا هو یکون الاول تشبیها لانه اثبات للمثل وان کان تنزیها ایضا لاحقیقه بالتنزیه من
المثل ایضا ویکون الثانیه ایضا تنزیها عن ان یشارکه فی السمع والبصر [illegible] تقدیر زیاده الکاف یحمل التشبیه ایضا فان من
تمیز من المحدود فهو محدود بکونه لیس عین هذا المحدود وان اتخذنا معنی نفی مثل من هو مع صفته فان نفی المثل قد یطلق
[illegible] الی نظیره کما یقال مثلک لا یخاف [illegible] لا یاتی منه البخل المراد منه نفی المبالغه فی نفی
البخل عنه [illegible] ای لیس من هو مع صفته من
الصمدیه والقیومیه لکل شیء [illegible] فهو عین الاشیاء فهو محدود وبحدود کل ذی حدان
[illegible] الکون کله فهو تشبیه و هو بعینه تنزیه [illegible] اذا احاط بالکل ولم ینحصر فی واحد منها
ولا فی الکل لم یکن محدودا فیس [illegible] من التشبیه بالتنزیه ومن التنزیه بالتشبیه   گاه در تشبیه عی که دریا توی
گاه کوه قاف که عنقا شوی   تو نه این باشی نه آن در ذات خویش   ای برون از وهمها و بیش بیش   از تو ای بی نقش

با چندین صور هم تو منزه هم تشبیه غیر بسم   در فصوص گوید خدا را بدان صفات که در قرآن از اوصاف تشبیه ارخوک هم
و به تأویل بکشید که [illegible] در مرتبه تنزیه او [illegible] اضافه کرده ای شرکت [illegible] ادب شد بادب شم و اریدی بس [illegible] حقیقت
در العبد ونـ المعرفون تجویز تمانیه [illegible] زره تا زره جهان عبادت میشود هر جا تا زمینست [illegible] کما قال له قلنون و
وان من شیء الا یسبح بحمده بلسان حال است بحال [illegible] ولکن لا تفقهون تسبیحهم [illegible] قیوم
در شرح فصوص گوید قرار الیم کمثله شیء الایه تشبیه و تنزیه فی عین التشبیه حیث انی من کل شیء کما هو مثل فی مثله و هو عین
التشبیه لانه اثبات المثل و [illegible] من کل شیء کما هو المثل [illegible] ان یکون مثل له لانه لیس من الاشیاء فلا یماثل ذلک الاله
واذا لم یکن مثل مثله فبالاحری ان یکون ذلک مثل لیس مثله و ذلک غایة التنزیه فهو تشبیه فی تنزیه و تنزیه فی تشبیه
وهو السمیع البصیر تشبیه فی عین التنزیه لانه اثبت له السمعیه والبصریه اللتین هما صفتان ثابتان للعبد و هو محض التشبیه
لکنه خصهما بالصفه المقیده حیث حصل [illegible] بلام الجنس [illegible] فافاد انه هو السمیع و حده و لا سمیع غیره و
البصیر وحده و لا بصیر سواه فهو عین التنزیه و سید اشرف در قطعه افاده این مطلب نموده که از جمله آن قطعه نیست   از تنزیه
تنده در عین تشبیه بی تشبیه و منزه میرای   از تنزیهش بی تشبیه عرض و [illegible] به تنزیه از آن لبصر آمد یقو الف لام
که جز او نیست در هر چشم بیننده سمیعش سمیحان توصیف دارد   که جز او نیست در هر گوش شنوا   هر گونه به او وصف ثنا
که دار در بیچ [illegible] ای عزیز روح تو حالیست در هیچ عضوی از اعضای تو با آنکه هیچ عضوی از اعضای تو خالی نیست از او
متعدد نیست به تعدد اعضا و متعدد نیست به تعدد ذات انانیت تست که مدرکست و محرک و متفکر و مدبر اعضا و ظاهر و پنهان
اوست و او قوام و حقیقت اعضا و هم چنین نسبت بزنیت حق سبحانه بموجودات هم چو نسبت روح تست پس حقیقت به
موجودات یکی است و حال نیست در هیچ یک با آنکه خالی نیست از هیچ یک کما قال سید المرسلین لم یحل فی الاشیاء فیقال
هو فیها و لم ینای عنها فیقال هو منها این متعدد نیست بتعدد اشیاء و متعدد نیست بتعدد اشیاء اوست فی الحقیقه مدرک
و محرک و متفکر و مدبر در همه اوست و قوام حقیقت و روز همه کما قال النبی یسمع و بی یبصر و قوله علیه السلام من عرف نفسه فقد
عرف ربه و ان لیس فی الوجود الا الله و قال اخوان الله هویه کل شیء و کل شیء و قال کاتان [illegible] کذا
صورة العالم یسبح بحمده ولکن لا تفقهون تسبیحهم و قال ایضا العالم صوره الحق و هو روح العالم المدبر له فهو
الانسان الکبیر و خواجه افضل الدین کاشی ره گوید هم چنانکه آگاه شدی که در جهان مردم آلات جسد و ظاهر و نیز از ارواح
بالنفس منفس و آلت روح است چنانکه نفس چون مصباحی بود و میان زجاجه داد ارواح چون زجاجه اند [illegible] جسد چون
مشکوه آگاه توان شد که ارواح و نفس چون جسد باشند بر نسبت حقیقت عظمه و ربوبیت چون جان بود ایشان را و همه
[illegible] باشند   حق جان جهانست و جهان جمله بدن   املاک لطایف حواس آن تن   افلاک و عناصر
و موالید اعضا توحید همینست و دگرها همه فن   و بنا بر این تحقیق خطبة البیان و غیره اگر می آید انتشا [illegible]

در کمال سهولت و آسانیست و فی کفایة الاثر عن یونس بن ظبیان قال دخلت علی الصادق علیه السلام فقلت یا ابن رسول الله
انی دخلت علی مالک و اصحابه و عنده جماعه یتکلمون فی الله عز و جل فبعضهم یقول ان الله تبارک و تعالی وجها کالوجوه و بعضهم
یقول هو شاب من ابناء ثلثین سنه فما عندک فی هذا یا ابن رسول الله صلی الله علیه و آله قال و کان متکئا فاستوی جالسا و قال اللهم عفوک عفوک
ثم قال یا یونس من زعم ان لله وجها کالوجوه فقد اشرک و من زعم ان لله جوارح کجوارح المخلوقین فهو کافر فلا تقبلوا شهادته و لا
تأکلوا ذبیحته تعالی الله عما یصفه المشبهون بصفة المخلوقین فوجه الله انبیاؤه و اولیاؤه   ای عزیز چون بعضی از این اخبار که عالم جبروت
که عبارتست از عالم صفات و عالم امر که عالم افعالست عبارتست از ائمه علیهم السلام است [illegible] این مطلب اخبار بسیار است که
ظاهر الدلالت بر این مدار و لهذا این ضعیف شرح بعضی از آنها [illegible] و فی الکافی عن ابی عبدالله علیه السلام فی قول الله عز و جل و لله الاسماء
الحسنی فادعوه بها قال نحن والله الاسماء الحسنی الذی لا یقبل الله من العباد عملا الا بمعرفتنا و من عن علیه السلام انا اسماء
الله الحسنی التی امر الله ان یدعی بها و فی الکافی عن ابی عبدالله علیه السلام من قول الله تبارک و تعالی کل شیء هالک الا وجهه
فقال ما یقولون قلت یقولون یهلک کل شیء الا وجه الله فقال سبحان الله لقد قالوا قولا عظیما انما عنی بذلک وجه الله
الذی یؤتی منه و فی الکافی عن ابی عبدالله علیه السلام ان الله خلقنا و صورنا و احسن صورنا و جعلنا عینه فی عباده و لسانه الناطق
فی خلقه و یده المبسوطة علی عباده بالرأفه و الرحمه و وجهه الذی یؤتی منه و بابه الذی یدل علیه و خزانه فی سمائه و ارضه بنا اثمرت
الاشجار و اینعت الثمار و جرت الانهار و بنا ینزل غیث السماء و ینبت عشب الارض و بعبادتنا عبد الله و لولا نحن ما عبد الله
و فی العیون عن [illegible] الرضا علیه السلام فی حدیث یا ابا الصلت من وصف الله بوجه کالوجوه فقد کفر و لکن وجه الله
انبیاؤه و رسله و حججه صلوات الله علیهم الذین بهم یتوجه الی الله عز و جل و الی دینه و معرفته و قال الله عز و جل کل من علیها
فان و یبقی وجه ربک و قال عز و جل کل شیء هالک الا وجهه   قال بعض المتبحرین و فی حدیث [illegible]
فی وجه راجع الی الشیء و علی هذا فمعناه ان وجه شیء لا یهلک و هو ما یقابل منه الی الله و هو روحه و حقیقته و من هو ... [illegible]
فناء جسمه و شخصه [illegible] که چون ایشان مظاهر صفات کمال الهیه اند و مظاهر جلال و جمال و متصف گردیده اند
کلمات الله و اسماء الله می گویند و احادیث در این باب بسیار است چنانچه اسماء الهی دلالت بر کمالات او میکند ایشان
نیز از این حیثیت که پرتوی از صفات او متصف گردیده اند دلالت بر صفات او میکنند مثل اسم رحمن که دلالت بر ذات
الهی بصفت رحمت میکند چون رحمت و شفقت رسول خدا را مشاهده میکنی تو را دلالت میکند بر کمال رحمت خداوند
که این رحمت با این بسیاری قطره ای از دریای رحمت اوست و هم چنین جمیع کمالات [illegible] ایشان بر آن کمالات
زیاده از دلالت اسماء بر صفات و اسماء مقدسه الهی از این جهة تاثیرات بر ایشان مترتب است که دلالت بر آن معنی
میکند لهذا بر ایشان نیز آثار عجیبه در عالم ظاهر میگردد که اسماء مقدسه الهی اند و مظهر قدرت و کمالات او میند [illegible]
از این [illegible] که کنه ذات و صفات او دانستن محالست و لکن در اسماء و جودات صفات و تبرات از آن [illegible]

در انجا مختلف نمیشد و در هر کسی حسب معرفتی که در رفعت و جلال آن اسم بهره می یابد مثلا تشبیه مردم در معرفت پادشاه
مختلف می شوند یک کروه می باشد که از عظمت پادشاه همین تصور کرده است که هر وقت که خواهد او را دو شتاب خوردن
میسر است و اگر خواهد که هزار دینار بی زحمت بکسی بدهد میتواند داد و این پادشاه را بصفت استاد حلوا او استاد بزاز
شناخته و اگر پادشاه احسانی کند در رفعت او چنان تعجب کرده و هم چنین تا مرتبه آن شخص که از عظمت
پادشاه آنقدر دانسته که او قادر بر عطای هر سلطنتی و منصبی میتواند بخشید که در بلاد و آفاق تحصیل میتواند
کرد پادشاه و هم چنین شخص در معرفت او سید مرد و هم چنین عارف را در مراتب معرفت بلا تشبیه این تفاوت
هست یک لفظ رحمت هر عارفی معنی می فهمد در رفعت این معنی فایده می برد تا عارف کامل که نهایت وجوه حکمت
یافت از رحمن فیض نازل داند را برای مهمات می طلبد و در رساند و هم چنین در مراتب معرفت ایشان ایمی [illegible]
و ائمه معصومین علیهم السلام که اسماء مقدسه الهیه که در معرفت و معرفت ایشان از رسل انبیا منقطع میتوانند شد
یک شخص علما را دی شناخته است که هر مسئله که از او پرسی میداند او علم را در مرتبه علامه شناخته است یکی علما را دلیل
کرده و علامه را وسیله کرده یکی علما را چنین شناخته که بشی حد فقرا [illegible] کشت او علما را شناخته [illegible]
شناخته و یکی علما را چنین شناخته که اگر شفاعت کند صد هزار تومان باو میتواند داد تا مرتبه آن بزرگ که علما را در مرتبه کمال
شناخته اگر نام علما را بر آسمان بخوانند از یک دیگر بپاشد و اگر بر زمین بخوانند بیکدار و چنانچه در احادیث بسیار است
که انبیا ایشان را بر هوش نشنید عرش قرار گرفت و بر کرسی نوشتند بر پا ایستاد و بر آسمانها نوشتند بلند شدند و بر زمین
نوشتند ثابت گردید و تحت ایشان را بتجربه معلوم است که در وقت دعا روز ان ربط و معرفت [illegible] که با ایشان حاصل
میشود چقدر استشفاع ایشان نفع میکند اگر این معنی را اگر ذکر کنم سخن دقیق میشود و بعض تمثیل ذکر کرده اند برای
وضوح این معنی که یک فیل را بر ده شهر کوران چون شنیدند که چنین حیوانی عظیم بشهر ایشان آمده بخانه جمع شدند
دست بر او مالیدند یکی از ایشان دست بر خرطوم او مالید یکی دندان را لمس کرد یکی پا [illegible] را و چون فیل برد ایشان
با یکدیگر [illegible] شدند و وصف آن نزاع کرده در میان ایشان نزاع شد آنکه گوش را لمس کرده بود گفت فیل چیزی پهن است
علم دیگری که خرطومش یافته بود گفت غلط کرده فیل چیزی است دراز و میان تهی و هر یک بنحوی از آن یافته بودند تعبیر میکردند
چونکه ادراک شناخته تمام یک را پی برده بود و غیر از تشبیه کوران عالم ملحدان و جاهلان در معرفت واجب الوجود دو [illegible]
او که متعلق باطلاق او شده اند چنین حالتی هست و در این مقام زیاده از این گنجایش ندارد و این معانی از اخبار بسیار
ظاهر میشود و انتهی کلامه رفع الله درجاته   ای عزیز اخبار وارد شده از ائمه علیهم السلام در باب آنکه عالم صفات
و اسماء و افعال الهی چون جلال صفات او صفات اند بسیار است باره از آنها ذکر میشود تا این مقام گذشت و بر حقی بعد از این
ان اذ یبانه دار جمله احادیث ماره مشهورست که محقق مجلسی ره انرا ترجمه بفارسی نموده است و در واد الصدوق ره [illegible]

Contact : jabir.abbas@yahoo.com
http://fb.com/ranajabirabbas
jabir.abbas@yahoo.com

Presented by: Rana Jabir Abbas

قال حدثنا ابو عبد الله بن ذكريا عن ابن ابي عمير الاسود عن محمد بن عبد الله ان يرفع الى سلمان الفارسي رضي الله قال كنا جلوسا
عند مولينا امير المؤمنين عليه السلام وذلك يوم جيء برجل من عمر بن خطاب بالخلافة انا ووالده الحسن والحسين ومحمد بن الحنفية وعمار
بن ياسر والمقداد بن الاسود الكندي فالتفت اليه الحسن عليه السلام وقال يا امير المؤمنين عليه السلام ان سليمان بن داود قد سأل الله
ملكا لم ينبغ لاحد من الناس فاعطاه الله ملكا لا ينبغي لاحد من العالمين فهل ملكت يا ابه شيئا من ملك سليمان فقال امير المؤمنين عليه السلام
والذي فلق الحبة وبرأ النسمة لقد ملك ابوك ملكا لا يملكه احد بعده ولا قبله فقال له الحسن عليه السلام انا نحب ان ننظر شيئا مما
ملكه الله ابوك شيئا من الملكوت [illegible] ثم جاء [illegible] فقام فصلى ركعتين ثم ذهب الى صحن داره
ونحن ننظر اليه فمد يده نحو المغرب حتى ان تحت [illegible] فيها سحابة [illegible] على الدار [illegible] جانب [illegible] سحابة
سحابة اخرى ثم اشار الى السحابة وقال اهبطي [illegible] قال سلمان فوالله العظيم لقد رأينا السحابة قد هبطت وهي تقول
اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شريك له واشهد ان محمدا عبده ورسوله وانك وصي رسول الله محمد
رسول الله صلى الله عليه وآله وانت وليه ومن شك فيك فقد هلك ومن تمسك بك فقد سلك سبيل النجاة ثم طلعت سحابتان
حتى نزلتا الى الارض وصارتا كانهما بساطان [illegible] فقال لنا امير المؤمنين عليه السلام قوموا واجلسوا على السحابة فجلسنا
كلنا واحد [illegible] ثم ان امير المؤمنين عليه السلام [illegible] وتكلم واشار بالسير نحو المغرب [illegible] ولا
[illegible] فقد حلت تحت السحابة [illegible] فاذا امير المؤمنين عليه السلام على السحابة الاخرى
جالس على كرسي من نور وعليه ثوبان اصفران وعلى رأسه تاج من ياقوت حمراء وفي رجليه نعلين [illegible] ياقوتة [illegible] وفي يده خاتم
من [illegible] بيضاء [illegible] نور وجهه يذهب بالابصار فقال له الحسن عليه السلام يا ابتاه ان سليمان بن داود وكان مطاعا بخاتمه
يا امير المؤمنين عليه السلام [illegible] فقال عليه السلام ولدي انا وجه الله وعين الله ولسان الله الناطق في خلقه وانا
نور الله وانا باب الله وانا كنز الله وانا القدرة المقدرة وانا قسيم الجنة والنار وانا سيد الوصيين يا ولدي اتحب ان اريك
خاتم سليمان بن داود وقال نعم قال سلمان الفارسي رضي الله فادخل يده تحت ثيابه واخرج خاتما من ذهب فصه من ياقوتة حمراء
مكتوب عليه [illegible] وقال عليه السلام هذا والله خاتم سليمان بن داود واسماؤه عليه مكتوب قال فعجبنا من ذلك فقال
من اي شيء تعجبون [illegible] فقال الحسن عليه السلام يا امير المؤمنين عليه السلام [illegible]
ياجوج وماجوج [illegible] فقال عليه السلام [illegible] قال سلمان والله لما سمعت الريح [illegible] تحت السحابة [illegible]
حتى انتهينا الى جبل شامخ وعليه شجرة [illegible] قال عليه السلام [illegible]
لها الحسن عليه السلام [illegible] الشجرة [illegible] فقال امير المؤمنين عليه السلام [illegible] الشجرة
باذن الله قال سلمان فوالله العظيم لقد سمعناها وهي تقول لبيك لبيك يا وصي رسول الله وخليفته من بعده حقا فقال لها [illegible]
فقال الحسن عليه السلام يا ابا محمد كان ابوك امير المؤمنين عليه السلام [illegible] في كل ليلة [illegible] ويسبح الله عز وجل [illegible] فاذا

فرخ

فرخ من صومعته وتسبيحه جاء [illegible] فيخرج منها الى الملك وعليها كرسي فيجلس عليها ثم يسير به [illegible] بن [illegible]
في كل ليلة فيقطع مسيرة اربعين ليلة ثم ينصرف الى [illegible] وهذا الذي تراه مني مما اكرمه من فقده [illegible] عليه يا ولدي
يا سيدي حتى يعاود [illegible] فقد [illegible] والله [illegible] في هذا الوقت [illegible] قال سلمان فبقينا متعجبين في ذلك فقام
عليه السلام ونزل من كرسيه وقرب من الشجرة ومسح يده المباركة عليها قال سلمان فوالله الذي نفسي بيده لقد [illegible]
والما [illegible] حتى [illegible] بقدرة الله عز وجل [illegible] فقلنا يا امير المؤمنين
هذا العجب فقال الذي [illegible] ثم عاد الى موضعه وقال للريح سيري [illegible] الريح تحت السحابة [illegible] حتى رأينا جبل
[illegible] في المشرق فلما نظر الينا [illegible]
لا اله الا الله وحده لا شريك له واشهد ان محمدا عبده ورسوله وانك وصيه حقا ولا شك فيه فمن
شك فيك فهو كافر فقلنا يا امير المؤمنين عليه السلام من هذا الملك وما بال يده في المغرب والاخرى في المشرق فقال عليه السلام انا
[illegible] باذن الله [illegible] ظلمات الليل وضوء النهار ولا يزال كذلك الى يوم القيامة [illegible] ما اريد باذن الله ثم
[illegible] فعال [illegible] الله عز وجل ثم سار بنا حتى وقفنا على سد ياجوج وماجوج فقال للريح اهبطي تحت هذا الجبل
[illegible] ثم [illegible] فقال عليه السلام [illegible] هذا السد
[illegible] قال سلمان [illegible] كل [illegible] ذراع في عرض عشرة اذرع [illegible] كل واحد مائة ذراع
في عرض سبعين ذراعا [illegible] وقال عليه السلام للريح سيري بنا الى [illegible]
فسارت الى جبل من ياقوت خضراء [illegible] محيط بالدنيا عليه ملك في بني آدم [illegible] الملك [illegible] نظر الملك الى امير المؤمنين
قال السلام عليك يا امير المؤمنين عليه السلام اتاذن لي في الكلام فرد عليه السلام فقال [illegible] ان تكلم به [illegible]
[illegible] يا امير المؤمنين عليه السلام قال [illegible] ان اذن لك في [illegible] فقد اذنت لك
[illegible] الملك وقال بسم الله الرحمن الرحيم ثم [illegible] قال سلمان وقطعنا [illegible] حتى انتهينا الى شجرة
[illegible] الشجرة الاولى فقلت يا امير المؤمنين عليه السلام ما بال هذه الشجرة [illegible] فقال الحسن عليه السلام [illegible]
[illegible] عليه السلام [illegible] امير المؤمنين عليه السلام [illegible] قال سلمان
[illegible] يا ابا محمد اني كنت افتخر على الاشجار [illegible] ان ابيك يجيئني كل ليلة
[illegible] ويسبح الله عز وجل ثم [illegible] وكنت اعيش من
[illegible] فقطعني منذ اربعين ليلة [illegible] فقلنا يا امير المؤمنين عليه السلام [illegible] كانت تمسح يده المباركة
عليها ثم قال [illegible] فسمعناها وهي تقول اشهد ان لا اله الا الله وان محمدا رسول الله وانك امين هذه
الامة ووصي رسول الله صلى الله عليه وآله من تمسك بك فقد نجى ومن خالفك فقد هوى ثم [illegible] قبل [illegible]

jabir.abbas@yahoo.com

سائقة وهي خضراء نضرة فقلنا يا امير المؤمنين عليه السلام اين ذهب ذلك الملك فقال عليه السلام كنت [illegible] جبل [illegible]
فلقي الملك فاذنت لها فاستاذني الملك الاخر في هذا اليوم على ان يكافيه وقد اذنت له فقلنا يا امير المؤمنين عليه السلام
ليس كنت معنا جالسا [illegible] فقال لنا غمضوا اعينكم فغمضنا ثم قال افتحوا ففتحنا فاذا نحن
قد [illegible] منزل امير المؤمنين عليه السلام فقال عليه السلام قد [illegible] لم يغفر [illegible] فقلنا يا امير المؤمنين عليه السلام ما هذا العجب
من [illegible] فقال والله اني الملك من الملك [illegible] انا [illegible] من خلائق الله كل [illegible]
ثم [illegible] الى روضة [illegible] الجنة فاذا الحسن [illegible] فقلنا يا امير المؤمنين عليه السلام من هذا الشاب
فقال اخي صالح عليه السلام وهذا قبر ابويه [illegible] فلما نظر الينا والى امير المؤمنين عليه السلام [illegible] من بكائه
ما يبكيك فقال ان امير المؤمنين عليه السلام كان يمر بي كل يوم عند الصبح [illegible] في العبادة فقطعني منذ
اربعين يوما [illegible] شدة شوقي اليه [illegible] فقلنا يا امير المؤمنين هذا امر العجب [illegible]
رأيناه وانت معنا في كل يوم [illegible] قال [illegible] ان اريكم سليمان بن داود عليه السلام فقلنا نعم فقام عليه السلام وقمنا
معه [illegible] حتى دخلنا الى بستان لم نر [illegible] وفيه من جميع الفاكهة والانهار تجري والاطيار [illegible] فلما نظرت
الاطيار الى امير المؤمنين عليه السلام جعلت ترفرف على راسه [illegible] وعليه ثياب [illegible] على ظهره
[illegible] على صدره وليس [illegible] خاتم [illegible] فلما نظر الى امير المؤمنين عليه السلام [illegible]
[illegible] ثم صار كالتراب فقلنا يا امير المؤمنين هذا سليمان قال نعم هذا خاتمه ثم اخرج من يده [illegible] في يد سليمان
ثم قال قم يا سليمان باذن من يحيي العظام وهي رميم وهو الذي لا اله الا هو الحي القيوم ورب السموات والارضين وربي ورب آبائي
الاولين قال سلمان فسمعنا يقول سليمان اشهد ان لا اله الا الله واشهد ان محمدا عبده ورسوله ارسله بالهدى ودين
الحق ليظهره على الدين كله ولو كره المشركون واشهد انك وصي رسول الله [illegible] واني سألت ربي عز وجل ان
اكون من شيعتك ولولا [illegible] قال سلمان [illegible] وقبلت قدم امير المؤمنين عليه السلام ثم
ثم سليمان [illegible] قال [illegible] كل [illegible] اربعين عمرة فقلت له يا امير
المؤمنين كيف ملكت [illegible] قال [illegible] الحفيظ الشهيد [illegible] رسول الله صلى الله عليه وآله [illegible]
من ولدي [illegible] ثم قال [illegible] السموات والارضين يا سلمان [illegible] على النهار [illegible] انا الحجة
[illegible] وانا [illegible] الكبرى [illegible] على الارض [illegible]
الرياح فذرت وعلى البرق فلمع وعلى [illegible] وعلى الرعد [illegible] على جبهة اسرافيل الذي جناحاه في المشرق والمغرب
وهو يقول سبوح قدوس رب الملائكة والروح ثم قال لنا غمضوا اعينكم فغمضنا ثم قال افتحوا ففتحنا فاذا نحن بمدينة لم نر اكبر منها
[illegible] فقلنا يا امير المؤمنين عليه السلام ما رأينا اعظم

خلقا

خلقا قال هؤلاء بقية قوم عاد وهم كفار [illegible] يوم المعاد [illegible] فاحببت ان اريكم اياهم في هذا الموضع ولقد
[illegible] بقدرة الله [illegible] منهم [illegible] ان اقاتل معهم [illegible] ثم [illegible]
منهم [illegible] عليهم [illegible] ان [illegible] هلاكهم [illegible]
[illegible] ابر [illegible] شد [illegible]
[illegible] برق [illegible] جان [illegible]
[illegible] رعد [illegible] برق [illegible] آن حضرت [illegible]
[illegible] رعد [illegible] برق [illegible]
[illegible] امير المؤمنين عليه السلام [illegible] ابر [illegible]
[illegible] رسانيد [illegible]
امير المؤمنين عليه السلام [illegible] فرشته [illegible] شنيديم [illegible]
[illegible] بعد از طلوع آفتاب [illegible]
[illegible] بقدرت [illegible]
قدرت [illegible] آن حضرت [illegible]
سلمان رضي الله عنه [illegible] غضب [illegible] العذاب الاليم [illegible]
الناس [illegible] بالحق [illegible]
[illegible] الاسم [illegible] الامور [illegible]
[illegible] الاسم الذي هو روح كل شيء [illegible] الذي خرج الى [illegible] محمد
صلى الله عليه وآله [illegible] وذلك لان ذات الله [illegible]
[illegible] الذكر [illegible] التقدس [illegible]
[illegible] فذلك في [illegible]
[illegible] آل محمد صلى الله عليه وآله [illegible] اولياء الله [illegible]
في [illegible] الكلمة الكبرى والآية العظمى لان اقرب الصفات الى حضرة الالهية مجال
الوحدانية لان الواحد اما ان يكون اول العدد ومبدأ الاعداد والواحد الفاصل بين الاثنين وهو الذي يكون لا يكون زوجا و
لا فردا وذلك هو الواحد الحق واما الواحد الذي هو منبع الموجودات فهو الواحد المطلق والامر المتصل من الواحد الى الاحد [illegible]
الحق [illegible] الخلق وهي الكلمة التي تخضع لذكرها الموجودات وتنفعل لسماعها الاشياء وهي مستورة بين حرف كن فيكون

Contact : jabir.abbas@yahoo.com
http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com

http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com

http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

عرف الله بنفسه وهم يطيعون امره ولولاهم ما عرف الله ولا يدرى كيف يعبد الرحمن فانه يجرى كيف يشاء فيما يشاء مما يفعل
وهم يشاؤن وهذا الحديث من جملة الاخبار الدالة عليها ما رواه ابن طاوس في الاقبال عن الشيخ الطوسي عن ابي عبد الله عليه السلام
في حديث طويل ان امير المؤمنين عليه السلام قال والذي بعث محمدا بالحق ان نور ابي طالب يوم القيمة ليطفئ انوار الخلق الا خمسة انوار
نور محمد ونوري ونور فاطمة ونور الحسن والحسين عليهم السلام ومن ولده من الائمة عليهم السلام لان نوره من نورنا الذي خلقه الله عز وجل من قبل
خلق آدم بالفي عام الحديث فعلم من حديث جابر ان خلافة الحقيقة المحمدية هي قطب الاقطاب ولما تقرر عند اهل الذوق ان لكل
اسم من الاسماء الالهية صورة في العالم مسماة بالمظاهر او الموجودات العينية وان تلك الاسماء ارباب تلك المظاهر وهي مربوبها
ومنه الفيض والاستمداد وعلى جميع الاسماء فح نقول ان تلك الحقيقة وهي التي برزت بصورة العوالم كلها باسم الله الاعظم فيها الذي هو رب
الارباب ... ظاهرة في تلك المظاهر ... العالم التي هي مظهر الاسم الاعظم ... العالم وباطنها
باطن العالم لانه صاحب الاسم الاعظم والربوبية المطلقة ولهذا قال تعالى هو الذي ارسل رسوله بالهدى ودين الحق ليظهره على
الدين كله ولهذا قال خصصت بفاتحة الكتاب وخواتيم البقرة وهي مصدرة بقوله الحمد لله رب العالمين فجميع عوالم الاجسام والارواح
كلها مربوبة ...

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com

http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com

http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

jabir.abbas@yahoo.com

http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com

http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com

http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com

http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

Contact : jabir.abbas@yahoo.com

http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com

http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

وثم ارسل رسوله الکافة الناس علیه ان یدعوهم ویجعل المؤمنین منهم الی صراط مستقیم ذکرها اولاً من نحو وکم
من غیر الله فان لله تعم الطافا خفیة فی خلقه لا یعلمها الا هو ومن ارتضی من رسول ثم قالوا اعطاک الله هذه القدرة ایها مرة
وانت تستنهض الناس من قتال معویة فقال ان الله تعبدهم بمجاهدة الکفار والمنافقین والناکثین والقاسطین والمارقین ولو
لوشئت لمددت یدی هذه القصیرة فی ارضکم هذه الطویلة وضربت بها صدر معویة بالشام واخذت بها من شاربه وقال من
لحیته فمد یده وردها وفیها شعرات کثیرة فتعجبوا من ذلک ثم وصل الخبر بعد مدة ان معویة سقط من سریره فی الیوم الذی کان علیه السلام
مد یده وغشی علیه ثم افاق وافتقد من شاربه ولحیته شعرات   الا روح من الرجال الذی یحرک حسنه و[illegible] لحق وقلة
البالات و[illegible] وهدم علیه [illegible] غضبا قال فی السماء والعالم بعد نقل کثیر من الاخبار المذکورة اعلم ان الاخبار الواردة فی
هذا الباب غریبة وبعضها غیر معتبرة الاسانید کروایات البرسی وجامع الاخبار والماخوذ من الکتاب القدیم وبعضها معتبرة ماخوذة
من اصول القدماء ولیس فی تضمنها بعید من قدرة الله تعالی وجابلقا وجابرسا ذکرها اللغویون علی وجه آخر قال الجزری جابلص
بفتح الباء واللام او سکونها بلد بالمغرب ولیس وراءه انسی وجابلق بلد بالمشرق انتهی وقال ان فیهما او فی احدهما اصحاب القائم
علیه السلام   قال فی البحار والصوفیة والمتالهون من الحکماء اولوا اکثر هذه الاخبار بعالم المثال قال شارح المقاصد وذهب
بعض المتالهین من الحکماء ونسب الی القدماء ان بین عالمی العقول والمحسوس واسطة تسمی عالم المثل لیس فی تجرد المجردات ولا
فی مخالطة الماديات وفیه لکل موجود من المجردات والاجسام والاعراض والحرکات والسکنات والاوضاع والهیئات والطعوم و
الروایح مثال قائم بذاته معلق لا فی مادة ومحل یظهر للحس بمعونة مظهر کالمرآة والخیال والماء والهواء ونحو ذلک وقد ینتقل من
مظهر الی مظهر وقد یبطل کما اذا فسدت المرآة والخیال او زالت المقابلة او التخیل وبالجملة هو عالم عظیم الفسحة غیر متناه یحذو حذو العالم
الحسی فی دوام حرکة افلاکه المثالية وقبول عناصره ومرکباته آثار حرکات افلاکه واشراقات العالم العقلی وهذا ما قال الاقدمون ان
فی الوجود عالما مقداریا غیر العالم الحسی لا تتناهی عجائبه ولا تحصی مدنه ومن جملة تلک المدن جابلقا وجابرسا وهما مدینتان عظیمتان لکل
منهما الف باب لا یحصی ما فیهما من الخلائق ومن هذا العالم یکون فیه الملائکة والجن والشیاطین والغیلان لکونها من قبیل المثل او النفوس
الناطقة المفارقة الظاهرة فیها وبه ظهر المجردات فی صور مختلفة بالحسن والقبح واللطافة والکثافة وغیر ذلک بحسب استعداد [illegible]
والفاعل وعلیه بنوا امر المعاد الجسمانی فان البدن المثالی الذی تتصرف فیه النفس حکمه حکم البدن الحسی فی ان له جمیع الحواس الظاهرة والباطنة
فیلتذ ویتألم باللذات والآلام الجسمانية وایضا یکون من الصور المعلقة نورانية فیها نعیم السعداء وظلمانية فیها عذاب الاشقیاء
وکذا امر المنامات وکثیر من الادراکات فان جمیع ما یری فی المنام او التخیل فی الیقظة بل یشاهد فی الامراض وعند غلبة الخوف
ونحو ذلک من الصور المقدارية التی لا تحقق لها فی عالم الحس کلها من عالم المثال وکذا کثیر من الغرائب وخوارق العادات کما یحکی عن
بعض الاولیاء انه مع اقامته ببلدته کان من حاضری المسجد الحرام ایام الحج وانه ظهر من بعض جدران البیت او خرج من جیب
مسح والاثواب عاتاخذ بعض الاشخاص والثمار او غیر ذلک من مسافة بعیدة فی زمان قریب الی غیر ذلک والعقلان

[illegible]

بهذا العالم منهم من یدعی ثبوته بالمکاشفة والتجارب الصحیحة ومنهم من یحتج بان ما شاهد من تلک الصور الجزئیة لیست عدما
صرفا ولا من عالم الماديات وهو ظاهر ولا من عالم العقل لکونها ذوات مقدار ولا مرتسمة فی الاجزاء الدماغیة لامتناع ارتسام
الکبیر فی الصغیر ولا انها تری عالیة واشباه ذلک کما سبق لم یثبت ان المحققون من الحکماء والمتکلمین بل یتفق بعضهم من
العلم الاول فی الرد علی من قال ان لیس العالم الجسمانی اکثر من واحد وقد قلت متالهو الحکماء کهرمس وافلاطون وفیثاغورث
وانباذقلس وغیرهم من افاضل القدماء ان فی الوجود عوالم اخری ذوات مقادیر غیر هذا العالم الذی نحن فیه وفیه عالم النفس وعالم العقل
وفیها العجائب والغرائب فیها من السماء والعناصر والانهار والبحار والاشجار والصور الملیحة والقبیحة ما لا یتناهی ویقع هذا العالم فی
الاقلیم الثامن الذی فیه جابلقا وجابرسا وهی اقلیم ذات العجائب وهی فی وسط مرتب العوالم ولهذا العالم افقان الاولی وهو الالطف
من افلاک الاقصی الذی نحن فیه وهو مرتفع من ادراک مدارک النفس الناطقة والاخر المانع وهذا کشف منها والطبقات المختلفة
الانواع من اللطیفة والکثیفة والملتذة والمبهجة والمولمة والمزعجة لا تتناهی منهما ولا بد لهما الا من الملک من له ید علیه والفاضل منهم من
خرج عنهما الی فضاء الانوار المشرقة وقد بث به هذا العالم بعض الحکمة والتجرد وابل العلوم لا مجال فعلیک بالایمان بهما وایاک و
الانکار لهما وقال ارسطو فی اثولوجیا ان وراء هذا العالم سماء وارضا وبحرا ونباتا وناسا سماويين وکل من فی هذا العالم
سماوی ولیس هناک شیء ارضی والروحانیون الذین هناک ملائمون للانس الذی هناک لا ینفر بعضهم عن بعض وکل واحد لا ینفر
من صاحبه ولا یضاده بل یستریح الیه وقال صاحب الفتوحات فی کل نفس عن آیة سبع عوالم یسبحون الله باللیل والنهار لا یفترون و
دخل به تمر من جملتها ارض خلقها الله علی صورتها اذ البصر العارف منها سمی بعدن فیها قد رای ذلک عبد الله بن عباس فیما
روی عنه فی حدیث الکعبة انها بیت واحد من اربعة عشر بیتا وان فی کل ارض من الارضین السبع خلقا مثلنا حتی ان فیهم ابن عباس
مثلی وصدقت هذه الروایة عند اهل الکشف کل ما فیها حی ناطق وهی باقیة لا تفنی ولا تتبدل واذا دخلها العارفون انما یدخلونها بارواحهم
لا باجسامهم فیترکون هیاکلهم فی هذه الارض ویتجردون وفیها مدائن لا تحصی وبعضها تسمی مدائن النور ولا یدخلها من العارفین الا
کل مصطفی مختار وکل آیة وحدیث وردت عندنا مما صرفها العقل عن ظاهرها وجدنا علی ظاهرها فی هذه الارض وکل جسد یتشکل فیه
الروحانی من ملک وجن وکل صورة یری الانسان فیها نفسه فی النوم فمن اجساد هذه الارض انتهی اقول ما اشبه هذه المزخرفات بالخرافات
والخیالات الواهیة والاوهام الفاسدة ولا یتوقف تصحیح شیء مما ذکر من طول القول بهذه المذاهب السخیفة وبسط القول فیها یؤدی الی
الاطناب واما الاخبار المثالية التی نقلها فلیس من هذا القبیل کما عرفت تحقیقه فی المجلد الثالث واکثر اخبار هذا الباب یمکن
حملها علی ظواهرها ولم یر احد سوی الانبیاء والاوصیاء احوال جمیع العالم حتی یحکم بعدم ما لم یره الحکماء والاولی فیها التسلیم وعدم الخوض و
التخمین فانه الهادی الی الحق المبین انتهی کلام صاحب البحار وقال فی البحار ایضا بعد نقل کلام القدماء والمتالهین فعلیک بالایمان
بها وایاک والانکار لها فان فی الآثار النبویة والاخبار الامامية والکتب السماوية من الاسرار ما لا یحصی وذلک شیء کثیر لعلک تقف
علیه بالتفتیش منها والمطالعة لها انتهی اقول عالم المثال غیر المثل الافلاطونیة وسیتم الکلام فیهما فی المرتبة الثالثة انشاء الله تعالی وحده

علم مثال از جملهٔ شاهدات کشفیه است از برای اهل الله که بهذا کرشغول باشند طریق وشیر اهل سلوک بود ایشان مکرر شده مگر در وقت تجلیات رب
سیر فی عالم متناهیه و عالم غیر متناهی است زیرا که تجلیات الهی غیر متناهی است و هر تجلی سبب حجابی است که عالمی است از این حجاب که بعضی در
بیان مراتب الطرق الی الله بعدد انفاس الخلایق گفته اند که هر آنی و هر علمی است هر وجودی سبحانه و آیات غیر متناهیه پس عوالم نیز غیر
متناهی است   و فی تاویل الآیات فی تفسیر قوله تعالی هو الاول والآخر والظاهر والباطن وهو بکل شیء علیم من تفسیر
محمد بن العباس باسناده عن جابر بن عبد الله قال لقیت عمار فی بعض سکک المدینة فسالته عن النبی صلی الله علیه وآله فاخبر انه فی مسجده
فی ملاء من قومه وانه لما صلی الغداة اقبل علینا فبینا نحن کذلک وقد بزغت الشمس اذ اقبل علی بن ابی طالب علیه السلام فقام الیه
النبی صلی الله علیه وآله وقبل بین عینیه واجلسه الی جنبه حتی مست رکبتاه رکبتیه ثم قال یا علی قم للشمس فکلمها فانها تکلمک فقام اهل المسجد
وقالوا اتری عین الشمس کیف تکلمه یا علی ان الله فقال السلام علیک ایها الخلق المطیع لله فقالت الشمس وعلیک السلام یا اول یا آخر یا ظاهر یا باطن یا من هو بکل شیء علیم فرجع علی علیه السلام
الی النبی صلی الله علیه وآله فقال یا علی تخبرنی او اخبرک فقال بل انت یا رسول الله صلی الله علیه وآله فقال النبی صلی الله علیه وآله ان قولها لک یا اول فانت
اول من آمن بالله وقولها یا آخر فانت آخر من یعاینی علی مغسلی وقولها یا ظاهر فانت آخر من یظهر علی مخزون سری وقولها یا باطن فانت
المستبطن لعلمی واما العلیم بکل شیء فما انزل الله علی من الحلال والحرام والفرائض والاحکام والتنزیل والناسخ والمنسوخ والمحکم والمتشابه
والمشکل الا وانت به علیم ولولا ان یقول فیک طائفة من امتی ما قالت النصاری فی عیسی لقلت فیک مقالا لا تمر بملأ الا اخذوا التراب من
تحت قدمیک یستشفون به قال جابر فلما فرغ عمار من حدیثه اقبل سلمان فقال عمار وهذا سلمان کان حاضرا فحدثنی سلمان کما حدثنی عمار
وروی ایضا باسناده عن ابی جعفر محمد بن علی علیه السلام قال هبط النبی صلی الله علیه وآله ورأسه فی حجر علی علیه السلام اذ نادی رسول الله
ولم یکن علی علیه السلام صلی العصر فغابت الشمس تغرب فانتبه رسول الله صلی الله علیه وآله فذکر له علی شأن صلاته فدعا الله فرد علیه الشمس کهیئتها
فی وقت العصر فذکر حدیث رد الشمس فقال له یا علی قم فسلم علی الشمس وکلمها فانها تکلمک فقال یا رسول الله کیف اسلم علیها قال قل السلام
علیک یا خلق الله فقالت وعلیک السلام یا اول یا آخر یا ظاهر یا باطن یا من ینجی محبیه ویوبق مبغضیه فقال له النبی صلی الله علیه وآله
ما قالت لک الشمس فقال له ما قالت فقال النبی صلی الله علیه وآله ان الشمس قد صدقت وعن امر الله نطقت انت اول المؤمنین
ایمانا وانت آخر الوصیین ولیس بعدی نبی ولا بعدک وصی وانت الظاهر علی اعدائک وانت الباطن فی العلم الظاهر علیه ولا فوقک فیه
احد انت عیبة علمی وخزانة وحی ربی واولادک خیر الاولاد وشیعتک هم النجباء یوم القیامة اقول هذا تصریح بما تقدم فی خطبة البیان
والتطنجیة ان الاول عبارة عن الابداع والایجاد والآخر عبارة عن اسرار المعاد ولان صاحب الخلایق الیه علیه السلام کما تقدم والظاهر والباطن
عبارتان عن جمیع عالم الملک والملکوت فظهر ان المبدأ والوسط والمنتهی هو الولایة فحمدا وشکرا لمن خلق ذلک من رب
رب العالمین وصلی الله علی محمد وآله اجمعین سیما علی مولانا امیر المؤمنین علیه السلام وفی تاویل الآیات قوله تعالی ثم دنی فتدلی فکان
قاب قوسین او ادنی من تفسیر محمد بن العباس عن حمران بن اعین قال سئلت اباجعفر علیه السلام عن قول الله عز وجل فی کتابه
ثم دنا الایة فقال ادنی الله محمدا منه فلم یکن بینه وبینه الا قفص لؤلؤ فیه فراش من ذهب یتلألأ فاری صورة فقیل له یا محمد اتعرف

[illegible]

هذه الصورة قال نعم هذه صورة علی بن ابی طالب علیه السلام فاوحی الله الیه ان زوجه فاطمة واتخذه وصیا وفی تاویل الآیات
فی تفسیر قوله تعالی اذ یغشی السدرة ما یغشی من تفسیر محمد بن العباس باسناده عن ابی الحسن موسی بن جعفر عن ابیه عن جده عن
علی علیه السلام قال النبی صلی الله علیه وآله لما اسری بی الی ربی قال جبرئیل علیه السلام عند شجرة عظیمة ولم ار مثلها علی کل غصن
منها ملک وعلی کل ورقة منها ملک وعلی کل ثمرة منها ملک وقد تجللها نور من نور الله عز وجل فقال جبرئیل هذه سدرة المنتهی کان ینتهی
الانبیاء قبلک الیها ثم لا یتجاوزونها وانت تجوزها ان شاء الله لیریک من آیاته الکبری فاطمئن ایدک الله بالثبات حتی تستکمل
کرامات الله وتصیر الی جواره ثم صعد بی الی تحت العرش فدلی لی رفرف اخضر ما احسن صفته فحملنی الرفرف باذن الله ربی فصرت
عنده وانقطع عنی اصوات الملائکة ودویهم وذهبت المخاوف والروعات وهدأت نفسی واستبشرت وجعلت امتد وانقبض ووقع
علی السرور والاستبشار وظننت ان جمیع الخلائق قد ماتوا ولم ار غیری احدا من خلقه فترکنی ما شاء الله ثم رد علی روحی فافقت فکان
توفیقا من ربی ان غمضت عینی وکل بصری وغشی عن النظر فجعلت ابصر بقلبی کما ابصر بعینی بل ابعد وابلغ فذلک قوله ما زاغ البصر
وما طغی لقد رای من آیات ربه الکبری وانما کنت ابصر مثل خیط الابرة نورا بینی وبین ربی ونور ربی لا تطیقه الابصار فناداني
ربی تبارک وتعالی یا محمد قلت لبیک ربی وسیدی والهی لبیک قال هل عرفت قدرک عندی وموضعک ومنزلتک قلت نعم یا سیدی
قال هل تعلم یا محمد فیما اختصم الملأ الاعلی قلت یا رب انت اعلم واحکم وعلام الغیوب قال اختصموا فی الدرجات والحسنات فهل تدری
ما الدرجات والحسنات قلت انت اعلم سیدی واحکم قال اسباغ الوضوء فی المکروهات والمشی علی الاقدام الی الجماعات معک ومع الائمة من
ولدک وانتظار الصلوة بعد الصلوة وافشاء السلام واطعام الطعام والتهجد باللیل والناس نیام ثم قال آمن الرسول بما انزل الیه
من ربه قلت والمؤمنون کل آمن بالله وملائکته وکتبه ورسله لا نفرق بین احد من رسله الایة قال ذلک لک
یا محمد ولذریتک یا محمد قلت لبیک ربی وسعدیک سیدی والهی قال اسئلک عما انا اعلم به منک من خلفت فی الارض بعدک
قلت اخی خیر اهلها اخی وابن عمی وناصر دینک والغاضب لمحارمک اذا استحلت والمنتقم قال صدقت یا محمد انی اصطفیتک
بالنبوة وبعثتک بالرسالة وامتحنت علیا بالبلاغ والشهادة علی امتک وجعلته حجة فی الارض معک وبعدک وهو نور اولیائی وولی
من اطاعنی وهو الکلمة التی الزمتها المتقین یا محمد وزوجته فاطمة فانه وصیک ووارثک ووزیرک وغاسل عورتک وناصر دینک والمقتول
علی سنتی وسنتک یقتله شقی هذه الامة قال رسول الله صلی الله علیه وآله ثم ان ربی امرنی باشیاء وامرنی ان اکتمها ولم یؤذن لی فی
اخبار اصحابی بها ثم انحرف فاذا انا بجبرئیل قد استقبلنی حتی سرت الی سدرة المنتهی فوقف بی تحتها ثم ادخلنی جنة المأوی فرأیت
مسکنی ومسکنک یا علی فیها وفیما جبرئیل یکلمنی اذ علا نور من نور الله فنظرت الی مثل خیط الابرة قال کنت نظرت الیه فی المرة الاولی
فناداني ربی جل جلاله یا محمد قلت لبیک ربی وسیدی والهی قال سبقت رحمتی غضبی لک ولذریتک انت مقربی من
خلقی وانت امینی وحبیبی ورسولی وعزتی وجلالی لو لقینی جمیع خلقی یشکون فیک طرفة عین وینقصونک صفوتی من ذریتک لادخلتهم
ناری ولا ابالی یا محمد علی امیر المؤمنین علیه السلام وسید المسلمین وقائد الغر المحجلین الی جنات النعیم والسبطین سیدا شباب اهل الجنة المعذبين

Contact : jabir.abbas@yahoo.com
http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

jabir.abbas@yahoo.com

Presented by: Rana Jabir Abbas

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com

http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com

http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

وجميع النبيين والصديقين والشهداء والملائكة وتفرقت وميت عجم فلما انصرفت قال جبرئيل لهم بم تشهدون قالوا نشهد ان لا اله الا الله
وانك رسول الله وان عليا امير المؤمنين عليه السلام وفي الكافي عن ابي عبد الله عليه السلام انه قال وقد ساله رجل عن القائم عليه السلام يسلم عليه بامرة
المؤمنين قال لا ذاك اسم سمى الله به امير المؤمنين ولم يسم به احد قبله ولم يتسم به احد بعده الا كافر قلت فكيف يسلم على القائم قال تقول
السلام عليك يا بقية الله ثم قرأ بقية الله خير لكم ان كنتم مؤمنين وفي تاويل الآيات وروى الكراجكي في كنز الفوائد حديثا مسندا الى ابن عباس قال قال
رسول الله صلى الله عليه وآله والذي بعثني بالحق بشيرا ونذيرا ما استقر الكرسي والعرش ولا دار الفلك ولا قامت السموات والارض الا بان كتب عليها
لا اله الا الله محمد رسول الله علي امير المؤمنين الحديث والاخبار في تسمية علي بن ابي طالب عليه السلام بهذا الاسم واختصاصه به من قبل الله اكثر
من ان تحصى هنا   واعلم انه يظهر من هذه الاخبار ايضا ان امير المؤمنين عليه السلام افضل من النبيين والمرسلين حيث ثبت من طريق
مخالفة وخاصة انه تعالى سماه امير المؤمنين عليه السلام واثره على ذرية آدم وهم ذر واقروا له بذلك ولا ريب في ان الانبياء والمرسلين حيث ثبت
المؤمنين عليه وان اللام في المؤمنين للاستغراق كما دل عليه بعض الاخبار المتقدمة انفا سابقا فيعم جميع المؤمنين ومن جملتهم الانبياء والمرسلون كقوله
تعالى في سورة الصافات حكاية عن نوح انه من عبادنا المؤمنين وعن ابراهيم عليه السلام انه من عبادنا المؤمنين وعن
موسى وهارون انهما من عبادنا المؤمنين منهم ثلثة اولي العزم نوح وابراهيم وموسى ومنهم هارون والياس من المرسلين
فيكون امير المؤمنين عليه السلام افضل منهم وفي تاويل الآيات وفي الدعاء سبحان من خلق الجنة لمحمد وآل محمد وشيعتهم فطهر الانبياء والمرسلين
من شيعتهم اللهم اجعلنا من شيعتهم بجاه محمد وآله الطيبين   وفي تاويل الآيات في تفسير قوله تعالى فاستمسك بالذي اوحي
اليك انك على صراط مستقيم روى محمد بن العباس باسناده عن ابي جعفر عليه السلام في قول الله عز وجل فاستمسك بالذي اوحي
اليك قال في علي بن ابي طالب عليه السلام وفي الكافي عن ابي حمزة الثمالي عن ابي جعفر عليه السلام قال اوحى الله عز وجل الى نبيه صلى الله عليه وآله
فاستمسك بالذي اوحي اليك انك في ولاية علي على صراط مستقيم وعلي هو الصراط المستقيم وعن جابر بن يزيد عن
ابي جعفر عليه السلام في قول الله عز وجل الى نبيه صلى الله عليه وآله فاستمسك بالذي اوحي اليك انك في ولاية علي على صراط مستقيم
وفي بصائر الدرجات عن ابي الحسن موسى عليه السلام قال ولاية علي عليه السلام مكتوب في جميع صحف الانبياء ولن يبعث الله نبيا الا
بنبوة محمد ووصية علي وفي المناقب عن ابي ذر الغفاري ره قال نظر النبي صلى الله عليه وآله الى علي بن ابي طالب عليه السلام فقال هذا
خير الاولين من اهل السموات والارضين هذا سيد الصديقين وسيد الوصيين وامام المتقين وقائد الغر المحجلين الحديث وفي بحر
المناقب وخلاصة المناقب قال النبي صلى الله عليه وآله حدثني جبرئيل عن الله عز وجل ان الله يحب عليا ما لا يحب الملائكة ولا النبيين
ولا المرسلين وما من تسبيحة يسبح الله الا ويخلق الله منه ملكا يستغفر لمحبه وشيعته الى يوم القيمة وفي بحر المناقب عن عمر بن الخطاب قال النبي صلى الله عليه وآله
من احبك يا علي كان مع النبيين في درجتهم يوم القيمة ومن مات يبغضك فلا يبالي مات يهوديا او نصرانيا وفي مجالس الصدوق ره
قال قال رسول الله صلى الله عليه وآله يا علي انت اخي وانا اخوك انا المصطفى للنبوة وانت المجتبى للامامة وانا صاحب التنزيل وانت صاحب التاويل
الى ان قال الحديث وان الملائكة لتتقرب الى الله تقدس ذكره بمحبتك وولايتك والله ان اهل مودتك في السماء لاكثر منهم في الارض

وفي كفاية الاثر عن محمد بن حنفية عن امير المؤمنين عليه السلام عن رسول الله صلى الله عليه وآله في جملة حديث انا سيد الانبياء وانت سيد
الاوصياء وانا وانت من شجرة واحدة ولولانا لم يخلق الله الجنة ولا النار ولا الملائكة ولا الانبياء قلت يا رسول الله صلى الله عليه وآله فنحن
افضل من الملائكة فقال يا علي نحن خليفة الله على بسيط الارض وخير من الملائكة المقربين وكيف لا نكون خيرا منهم وقد سبقناهم الى
معرفة الله وتوحيده فبنا عرفوا الله وبنا عبدوا الله واهتدوا السبيل الى معرفة الله وفي اكمال الدين وتمام النعمة عن ابي الحسن بن موسى الرضا عن ابيه
عن آبائه عليهم السلام قال قال رسول الله صلى الله عليه وآله انا سيد من خلق الله عز وجل وانا خير من جبرئيل وميكائيل واسرافيل وحملة العرش وجميع
ملائكة الله المقربين وانبياء الله المرسلين وانا صاحب الشفاعة والحوض الشريف وانا وعلي ابوا هذه الامة من عرفنا فقد عرف الله عز وجل
ومن انكرنا فقد انكر الله عز وجل ومن علي سبطا امتي وسيدا شباب اهل الجنة الحسن والحسين ومن ولد الحسين عليه السلام ائمة تسعة طاعتهم طاعتي
ومعصيتهم معصيتي تاسعهم قائمهم ومهديهم ونص سادات علي بن ابي طالب عليه السلام بانه خير وبانه مباهلة ان حضرتهم خير افضل خلائق الله وارجح ملائكة المقربين
وارجح انبياء المرسلين وفي مجالس الصدوق ره عن ابي الحسن عليه السلام ان شفقة النبي صلى الله عليه وآله على امته شفقة الآباء على الاولاد وافضل امته
علي ومن بعده شفقة علي عليه السلام كشفقته فقال صلى الله عليه وآله انا وعلي ابوا هذه الامة   وفي بعض التفاسير في قوله تعالى النبي اولى بالمؤمنين
من انفسهم وازواجه امهاتهم بالابوة المعنوية والبنوة الحقيقية لان الاب الحقيقي في التحقيق المتخصص بالمخلص من العذاب والعذاب كالاب المشفق
للولد وازواجه امهاتهم وليس اخرج عن ذلك وعن ابن مسعود وغيره يا ابن عباس انه قال الاولى في الاية بمعنى الاب وازواجه بمعنى الام ومن الائمة
عليهم السلام ان كل نبي اب لامته ولامته بمثابة الاولاد لهم ومن هذا قال المؤمنون اخوة ولكل بسبب النسب المعنوي بالدين حرج به انا وعلي ابوا
هذه الامة وتطابق لما روي في تاويل الآيات في اخبار كثيرة في تفسير قوله تعالى ان اشكر لي ولوالديك انهما محمد وعلي عليهم السلام بهما ماروا
ومن جعفر المجيد انه قال شهدت عند ابي جعفر عليه السلام وهو يحدث ان رسول الله وعليا الوالدان ومنها عن عبد الواحد قال دخلت على ابي
جعفر عليه السلام فقال اما علمت ان امه لابرت الذي قال الله تعالى ان اشكر لي ولوالديك ومنها عن بشير الدهان انه سمع ابا عبد الله عليه السلام
يقول رسول الله صلى الله عليه وآله احد الوالدين قال قلت والآخر قال علي بن ابي طالب عليه السلام وغير ذلك من الاخبار وفي تاويل الآيات
في تفسير قوله تعالى ان كتاب الابرار لفي عليين وما ادريك ما عليون كتاب مرقوم عن كتاب من ابي حمزة الثمالي قال سمعت ابا جعفر عليه السلام
يقول ان الله تعالى خلقنا من اعلى عليين وخلق قلوب شيعتنا مما خلقنا منه وخلق ابدانهم من دون ذلك فقلوبهم تهوى الينا لانها خلقت
مما خلقنا منه ثم تلا ان كتاب الابرار الاية وخلق عدونا من سجين وخلق قلوب شيعتهم مما خلقوا منه ثم تلا كلا ان كتاب الفجار
لفي سجين الاية وما ورد في هذا المعنى ان النبي والائمة عليهم السلام خلقوا من طينة عليين بار واه الصدوق ره في كتاب المعراج باسناده
عن ابن عباس قال سمعت رسول الله صلى الله عليه وآله وهو يخاطب عليا يقول يا علي ان الله تبارك وتعالى كان ولا شيء معه فخلقني وخلقك
روحين من نور جلاله وكنا امام عرش رب العالمين نسبح الله ونقدسه ونحمده ونهلله وذلك قبل ان خلق السموات والارضين فلما
اراد ان يخلق آدم خلقني واياك من طينة واحدة من طينة عليين وعجننا بذلك النور وغمسنا في جميع الانوار وانهار الجنة ثم خلق
آدم واستودع صلبه تلك الطينة والنور فلما خلقه استخرج ذريته من ظهره فاستنطقهم وقررهم بربوبيته فاول خلق اقر له بالربوبية انا وانت

jabir.abbas@yahoo.com
Contact : jabir.abbas@yahoo.com
http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com

http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com

http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

يحملون العرش ومن حوله يسبحون بحمد ربهم ويستغفرون للذين آمنوا ربنا وسعت كل شيء رحمة وعلما فاغفر للذين تابوا واتبعوا سبيلك وقهم عذاب الجحيم ربنا وأدخلهم جنات عدن التي وعدتهم ومن صلح من آبائهم وأزواجهم وذرياتهم إنك أنت العزيز الحكيم وقهم السيئات ومن تق السيئات يومئذ فقد رحمته وذلك هو الفوز العظيم إن الذين كفروا ينادون لمقت الله أكبر من مقتكم أنفسكم إذ تدعون إلى الإيمان فتكفرون قالوا ربنا أمتنا اثنتين وأحييتنا اثنتين فاعترفنا بذنوبنا فهل إلى خروج من سبيل ذلكم بأنه إذا دعي الله وحده كفرتم وإن يشرك به تؤمنوا فالحكم لله العلي الكبير هو الذي يريكم آياته وينزل لكم من السماء رزقا وما يتذكر إلا من ينيب فادعوا الله مخلصين له الدين ولو كره الكافرون رفيع الدرجات ذو العرش يلقي الروح من أمره على من يشاء من عباده لينذر يوم التلاق يوم هم بارزون لا يخفى على الله منهم شيء لمن الملك اليوم لله الواحد القهار اليوم تجزى كل نفس بما كسبت لا ظلم اليوم إن الله سريع الحساب وأنذرهم يوم الآزفة إذ القلوب لدى الحناجر كاظمين ما للظالمين من حميم ولا شفيع يطاع يعلم خائنة الأعين وما تخفي الصدور والله يقضي بالحق والذين يدعون من دونه لا يقضون بشيء إن الله هو السميع البصير ولقد أرسلنا موسى بآياتنا وسلطان مبين إلى فرعون وهامان وقارون فقالوا ساحر كذاب أفجاءهم بالحق من عندنا قالوا اقتلوا أبناء الذين آمنوا معه واستحيوا نساءهم وما كيد الكافرين إلا في ضلال وقال فرعون ذروني أقتل موسى وليدع ربه إني أخاف أن يبدل دينكم أو أن يظهر في الأرض الفساد وقال موسى إني عذت بربي وربكم من كل متكبر لا يؤمن بيوم الحساب وقال رجل مؤمن من آل فرعون يكتم إيمانه أتقتلون رجلا أن يقول ربي الله وقد جاءكم بالبينات من ربكم وإن يك كاذبا فعليه كذبه وإن يك صادقا يصبكم بعض الذي يعدكم إن الله لا يهدي من هو مسرف كذاب يا قوم لكم الملك اليوم ظاهرين في الأرض فمن ينصرنا من بأس الله إن جاءنا قال فرعون ما أريكم إلا ما أرى وما أهديكم إلا سبيل الرشاد وقال الذي آمن يا قوم إني أخاف عليكم مثل يوم الأحزاب مثل دأب قوم نوح وعاد وثمود والذين من بعدهم وما الله يريد ظلما للعباد ويا قوم إني أخاف عليكم يوم التناد يوم تولون مدبرين ما لكم من الله من عاصم ومن يضلل الله فما له من هاد ولقد جاءكم يوسف من قبل بالبينات فما زلتم في شك مما جاءكم به حتى إذا هلك قلتم لن يبعث الله من بعده رسولا كذلك يضل الله من هو مسرف مرتاب الذين يجادلون في آيات الله بغير سلطان أتاهم كبر مقتا عند الله وعند الذين آمنوا كذلك يطبع الله على كل قلب متكبر جبار وقال فرعون يا هامان ابن لي صرحا لعلي أبلغ الأسباب أسباب السماوات فأطلع إلى إله موسى وإني لأظنه كاذبا وكذلك زين لفرعون سوء عمله وصد عن السبيل وما كيد فرعون إلا في تباب وقال الذي آمن يا قوم اتبعون أهدكم سبيل الرشاد يا قوم إنما هذه الحياة الدنيا متاع وإن الآخرة هي دار القرار من عمل سيئة فلا يجزى إلا مثلها ومن عمل صالحا من ذكر أو أنثى وهو مؤمن فأولئك يدخلون الجنة يرزقون فيها بغير حساب ويا قوم ما لي أدعوكم إلى النجاة وتدعونني إلى النار تدعونني لأكفر بالله وأشرك به ما ليس لي به علم وأنا أدعوكم إلى العزيز الغفار لا جرم أنما تدعونني إليه ليس له دعوة في الدنيا ولا في الآخرة وأن مردنا إلى الله وأن المسرفين هم أصحاب النار فستذكرون ما أقول لكم وأفوض أمري إلى الله إن الله بصير بالعباد فوقاه الله سيئات ما مكروا وحاق بآل فرعون سوء العذاب النار يعرضون عليها غدوا وعشيا ويوم تقوم الساعة أدخلوا آل فرعون أشد العذاب وإذ يتحاجون في النار فيقول الضعفاء للذين استكبروا إنا كنا لكم تبعا فهل أنتم مغنون عنا نصيبا من النار قال الذين استكبروا إنا كل فيها إن الله قد حكم بين العباد وقال الذين في النار لخزنة جهنم ادعوا ربكم يخفف عنا يوما من العذاب قالوا أولم تك تأتيكم رسلكم بالبينات قالوا بلى قالوا فادعوا وما دعاء الكافرين إلا في ضلال إنا لننصر رسلنا والذين آمنوا في الحياة الدنيا ويوم يقوم الأشهاد يوم لا ينفع الظالمين معذرتهم ولهم اللعنة ولهم سوء الدار ولقد آتينا موسى الهدى وأورثنا بني إسرائيل الكتاب هدى وذكرى لأولي الألباب فاصبر إن وعد الله حق واستغفر لذنبك وسبح بحمد ربك بالعشي والإبكار إن الذين يجادلون في آيات الله بغير سلطان أتاهم إن في صدورهم إلا كبر ما هم ببالغيه فاستعذ بالله إنه هو السميع البصير لخلق السماوات والأرض أكبر من خلق الناس ولكن أكثر الناس لا يعلمون وما يستوي الأعمى والبصير والذين آمنوا وعملوا الصالحات ولا المسيء قليلا ما تتذكرون إن الساعة لآتية لا ريب فيها ولكن أكثر الناس لا يؤمنون وقال ربكم ادعوني أستجب لكم إن الذين يستكبرون عن عبادتي سيدخلون جهنم داخرين الله الذي جعل لكم الليل لتسكنوا فيه والنهار مبصرا إن الله لذو فضل على الناس ولكن أكثر الناس لا يشكرون ذلكم الله ربكم خالق كل شيء لا إله إلا هو فأنى تؤفكون كذلك يؤفك الذين كانوا بآيات الله يجحدون الله الذي جعل لكم الأرض قرارا والسماء بناء وصوركم فأحسن صوركم ورزقكم من الطيبات ذلكم الله ربكم فتبارك الله رب العالمين هو الحي لا إله إلا هو فادعوه مخلصين له الدين الحمد لله رب العالمين قل إني نهيت أن أعبد الذين تدعون من دون الله لما جاءني البينات من ربي وأمرت أن أسلم لرب العالمين هو الذي خلقكم من تراب ثم من نطفة ثم من علقة ثم يخرجكم طفلا ثم لتبلغوا أشدكم ثم لتكونوا شيوخا ومنكم من يتوفى من قبل ولتبلغوا أجلا مسمى ولعلكم تعقلون هو الذي يحيي ويميت فإذا قضى أمرا فإنما يقول له كن فيكون ألم تر إلى الذين يجادلون في آيات الله أنى يصرفون الذين كذبوا بالكتاب وبما أرسلنا به رسلنا فسوف يعلمون إذ الأغلال في أعناقهم والسلاسل يسحبون في الحميم ثم في النار يسجرون ثم قيل لهم أين ما كنتم تشركون من دون الله قالوا ضلوا عنا بل لم نكن ندعو من قبل شيئا كذلك يضل الله الكافرين ذلكم بما كنتم تفرحون في الأرض بغير الحق وبما كنتم تمرحون ادخلوا أبواب جهنم خالدين فيها فبئس مثوى المتكبرين فاصبر إن وعد الله حق فإما نرينك بعض الذي نعدهم أو نتوفينك فإلينا يرجعون ولقد أرسلنا رسلا من قبلك منهم من قصصنا عليك ومنهم من لم نقصص عليك وما كان لرسول أن يأتي بآية إلا بإذن الله فإذا جاء أمر الله قضي بالحق وخسر هنالك المبطلون الله الذي جعل لكم الأنعام لتركبوا منها ومنها تأكلون ولكم فيها منافع ولتبلغوا عليها حاجة في صدوركم وعليها وعلى الفلك تحملون ويريكم آياته فأي آيات الله تنكرون أفلم يسيروا في الأرض فينظروا كيف كان عاقبة الذين من قبلهم كانوا أكثر منهم وأشد قوة وآثارا في الأرض فما أغنى عنهم ما كانوا يكسبون فلما جاءتهم رسلهم بالبينات فرحوا بما عندهم من العلم وحاق بهم ما كانوا به يستهزئون فلما رأوا بأسنا قالوا آمنا بالله وحده وكفرنا بما كنا به مشركين فلم يك ينفعهم إيمانهم لما رأوا بأسنا سنة الله التي قد خلت في عباده وخسر هنالك الكافرون حم تنزيل من الرحمن الرحيم كتاب فصلت آياته قرآنا عربيا لقوم يعلمون بشيرا ونذيرا فأعرض أكثرهم فهم لا يسمعون وقالوا قلوبنا في أكنة مما تدعونا إليه وفي آذاننا وقر ومن بيننا وبينك حجاب فاعمل إننا عاملون قل إنما أنا بشر مثلكم يوحى إلي أنما إلهكم إله واحد فاستقيموا إليه واستغفروه وويل للمشركين الذين لا يؤتون الزكاة وهم بالآخرة هم كافرون إن الذين آمنوا وعملوا الصالحات لهم أجر غير ممنون قل أئنكم لتكفرون بالذي خلق الأرض في يومين وتجعلون له أندادا ذلك رب العالمين وجعل فيها رواسي من فوقها وبارك فيها وقدر فيها أقواتها في أربعة أيام سواء للسائلين ثم استوى إلى السماء وهي دخان فقال لها وللأرض ائتيا طوعا أو كرها قالتا أتينا طائعين فقضاهن سبع سماوات في يومين وأوحى في كل سماء أمرها وزينا السماء الدنيا بمصابيح وحفظا ذلك تقدير العزيز العليم فإن أعرضوا فقل أنذرتكم صاعقة مثل صاعقة عاد وثمود إذ جاءتهم الرسل من بين أيديهم ومن خلفهم ألا تعبدوا إلا الله قالوا لو شاء ربنا لأنزل ملائكة فإنا بما أرسلتم به كافرون فأما عاد فاستكبروا في الأرض بغير الحق وقالوا من أشد منا قوة أولم يروا أن الله الذي خلقهم هو أشد منهم قوة وكانوا بآياتنا يجحدون فأرسلنا عليهم ريحا صرصرا في أيام نحسات لنذيقهم عذاب الخزي في الحياة الدنيا ولعذاب الآخرة أخزى وهم لا ينصرون وأما ثمود فهديناهم فاستحبوا العمى على الهدى فأخذتهم صاعقة العذاب الهون بما كانوا يكسبون ونجينا الذين آمنوا وكانوا يتقون ويوم يحشر أعداء الله إلى النار فهم يوزعون حتى إذا ما جاءوها شهد عليهم سمعهم وأبصارهم وجلودهم بما كانوا يعملون وقالوا لجلودهم لم شهدتم علينا قالوا أنطقنا الله الذي أنطق كل شيء وهو خلقكم أول مرة وإليه ترجعون وما كنتم تستترون أن يشهد عليكم سمعكم ولا أبصاركم ولا جلودكم ولكن ظننتم أن الله لا يعلم كثيرا مما تعملون وذلكم ظنكم الذي ظننتم بربكم أرداكم فأصبحتم من الخاسرين فإن يصبروا فالنار مثوى لهم وإن يستعتبوا فما هم من المعتبين وقيضنا لهم قرناء فزينوا لهم ما بين أيديهم وما خلفهم وحق عليهم القول في أمم قد خلت من قبلهم من الجن والإنس إنهم كانوا خاسرين وقال الذين كفروا لا تسمعوا لهذا القرآن والغوا فيه لعلكم تغلبون فلنذيقن الذين كفروا عذابا شديدا ولنجزينهم أسوأ الذي كانوا يعملون ذلك جزاء أعداء الله النار لهم فيها دار الخلد جزاء بما كانوا بآياتنا يجحدون وقال الذين كفروا ربنا أرنا اللذين أضلانا من الجن والإنس نجعلهما تحت أقدامنا ليكونا من الأسفلين إن الذين قالوا ربنا الله ثم استقاموا تتنزل عليهم الملائكة ألا تخافوا ولا تحزنوا وأبشروا بالجنة التي كنتم توعدون نحن أولياؤكم في الحياة الدنيا وفي الآخرة ولكم فيها ما تشتهي أنفسكم ولكم فيها ما تدعون نزلا من غفور رحيم ومن أحسن قولا ممن دعا إلى الله وعمل صالحا وقال إنني من المسلمين ولا تستوي الحسنة ولا السيئة ادفع بالتي هي أحسن فإذا الذي بينك وبينه عداوة كأنه ولي حميم وما يلقاها إلا الذين صبروا وما يلقاها إلا ذو حظ عظيم وإما ينزغنك من الشيطان نزغ فاستعذ بالله إنه هو السميع العليم ومن آياته الليل والنهار والشمس والقمر لا تسجدوا للشمس ولا للقمر واسجدوا لله الذي خلقهن إن كنتم إياه تعبدون فإن استكبروا فالذين عند ربك يسبحون له بالليل والنهار وهم لا يسأمون ومن آياته أنك ترى الأرض خاشعة فإذا أنزلنا عليها الماء اهتزت وربت إن الذي أحياها لمحيي الموتى إنه على كل شيء قدير إن الذين يلحدون في آياتنا لا يخفون علينا أفمن يلقى في النار خير أم من يأتي آمنا يوم القيامة اعملوا ما شئتم إنه بما تعملون بصير إن الذين كفروا بالذكر لما جاءهم وإنه لكتاب عزيز لا يأتيه الباطل من بين يديه ولا من خلفه تنزيل من حكيم حميد ما يقال لك إلا ما قد قيل للرسل من قبلك إن ربك لذو مغفرة وذو عقاب أليم ولو جعلناه قرآنا أعجميا لقالوا لولا فصلت آياته أأعجمي وعربي قل هو للذين آمنوا هدى وشفاء والذين لا يؤمنون في آذانهم وقر وهو عليهم عمى أولئك ينادون من مكان بعيد ولقد آتينا موسى الكتاب فاختلف فيه ولولا كلمة سبقت من ربك لقضي بينهم وإنهم لفي شك منه مريب من عمل صالحا فلنفسه ومن أساء فعليها وما ربك بظلام للعبيد إليه يرد علم الساعة وما تخرج من ثمرات من أكمامها وما تحمل من أنثى ولا تضع إلا بعلمه ويوم يناديهم أين شركائي قالوا آذناك ما منا من شهيد وضل عنهم ما كانوا يدعون من قبل وظنوا ما لهم من محيص لا يسأم الإنسان من دعاء الخير وإن مسه الشر فيئوس قنوط ولئن أذقناه رحمة منا من بعد ضراء مسته ليقولن هذا لي وما أظن الساعة قائمة ولئن رجعت إلى ربي إن لي عنده للحسنى فلننبئن الذين كفروا بما عملوا ولنذيقنهم من عذاب غليظ وإذا أنعمنا على الإنسان أعرض ونأى بجانبه وإذا مسه الشر فذو دعاء عريض قل أرأيتم إن كان من عند الله ثم كفرتم به من أضل ممن هو في شقاق بعيد سنريهم آياتنا في الآفاق وفي أنفسهم حتى يتبين لهم أنه الحق أولم يكف بربك أنه على كل شيء شهيد ألا إنهم في مرية من لقاء ربهم ألا إنه بكل شيء محيط حم عسق كذلك يوحي إليك وإلى الذين من قبلك الله العزيز الحكيم له ما في السماوات وما في الأرض وهو العلي العظيم تكاد السماوات يتفطرن من فوقهن والملائكة يسبحون بحمد ربهم ويستغفرون لمن في الأرض ألا إن الله هو الغفور الرحيم والذين اتخذوا من دونه أولياء الله حفيظ عليهم وما أنت عليهم بوكيل وكذلك أوحينا إليك قرآنا عربيا لتنذر أم القرى ومن حولها وتنذر يوم الجمع لا ريب فيه فريق في الجنة وفريق في السعير ولو شاء الله لجعلهم أمة واحدة ولكن يدخل من يشاء في رحمته والظالمون ما لهم من ولي ولا نصير أم اتخذوا من دونه أولياء فالله هو الولي وهو يحيي الموتى وهو على كل شيء قدير وما اختلفتم فيه من شيء فحكمه إلى الله ذلكم الله ربي عليه توكلت وإليه أنيب فاطر السماوات والأرض جعل لكم من أنفسكم أزواجا ومن الأنعام أزواجا يذرؤكم فيه ليس كمثله شيء وهو السميع البصير له مقاليد السماوات والأرض يبسط الرزق لمن يشاء ويقدر إنه بكل شيء عليم شرع لكم من الدين ما وصى به نوحا والذي أوحينا إليك وما وصينا به إبراهيم وموسى وعيسى أن أقيموا الدين ولا تتفرقوا فيه كبر على المشركين ما تدعوهم إليه الله يجتبي إليه من يشاء ويهدي إليه من ينيب وما تفرقوا إلا من بعد ما جاءهم العلم بغيا بينهم ولولا كلمة سبقت من ربك إلى أجل مسمى لقضي بينهم وإن الذين أورثوا الكتاب من بعدهم لفي شك منه مريب فلذلك فادع واستقم كما أمرت ولا تتبع أهواءهم وقل آمنت بما أنزل الله من كتاب وأمرت لأعدل بينكم الله ربنا وربكم لنا أعمالنا ولكم أعمالكم لا حجة بيننا وبينكم الله يجمع بيننا وإليه المصير والذين يحاجون في الله من بعد ما استجيب له حجتهم داحضة عند ربهم وعليهم غضب ولهم عذاب شديد الله الذي أنزل الكتاب بالحق والميزان وما يدريك لعل الساعة قريب يستعجل بها الذين لا يؤمنون بها والذين آمنوا مشفقون منها ويعلمون أنها الحق ألا إن الذين يمارون في الساعة لفي ضلال بعيد الله لطيف بعباده يرزق من يشاء وهو القوي العزيز من كان يريد حرث الآخرة نزد له في حرثه ومن كان يريد حرث الدنيا نؤته منها وما له في الآخرة من نصيب أم لهم شركاء شرعوا لهم من الدين ما لم يأذن به الله ولولا كلمة الفصل لقضي بينهم وإن الظالمين لهم عذاب أليم ترى الظالمين مشفقين مما كسبوا وهو واقع بهم والذين آمنوا وعملوا الصالحات في روضات الجنات لهم ما يشاءون عند ربهم ذلك هو الفضل الكبير ذلك الذي يبشر الله عباده الذين آمنوا وعملوا الصالحات قل لا أسألكم عليه أجرا إلا المودة في القربى ومن يقترف حسنة نزد له فيها حسنا إن الله غفور شكور أم يقولون افترى على الله كذبا فإن يشأ الله يختم على قلبك ويمح الله الباطل ويحق الحق بكلماته إنه عليم بذات الصدور وهو الذي يقبل التوبة عن عباده ويعفو عن السيئات ويعلم ما تفعلون ويستجيب الذين آمنوا وعملوا الصالحات ويزيدهم من فضله والكافرون لهم عذاب شديد ولو بسط الله الرزق لعباده لبغوا في الأرض ولكن ينزل بقدر ما يشاء إنه بعباده خبير بصير وهو الذي ينزل الغيث من بعد ما قنطوا وينشر رحمته وهو الولي الحميد ومن آياته خلق السماوات والأرض وما بث فيهما من دابة وهو على جمعهم إذا يشاء قدير وما أصابكم من مصيبة فبما كسبت أيديكم ويعفو عن كثير ولستم بمعجزين في الأرض وما لكم من دون الله من ولي ولا نصير ومن آياته الجوار في البحر كالأعلام إن يشأ يسكن الريح فيظللن رواكد على ظهره إن في ذلك لآيات لكل صبار شكور أو يوبقهن بما كسبوا ويعف عن كثير ويعلم الذين يجادلون في آياتنا ما لهم من محيص فما أوتيتم من شيء فمتاع الحياة الدنيا وما عند الله خير وأبقى للذين آمنوا وعلى ربهم يتوكلون والذين يجتنبون كبائر الإثم والفواحش وإذا ما غضبوا هم يغفرون والذين استجابوا لربهم وأقاموا الصلاة وأمرهم شورى بينهم ومما رزقناهم ينفقون والذين إذا أصابهم البغي هم ينتصرون وجزاء سيئة سيئة مثلها فمن عفا وأصلح فأجره على الله إنه لا يحب الظالمين ولمن انتصر بعد ظلمه فأولئك ما عليهم من سبيل إنما السبيل على الذين يظلمون الناس ويبغون في الأرض بغير الحق أولئك لهم عذاب أليم ولمن صبر وغفر إن ذلك لمن عزم الأمور ومن يضلل الله فما له من ولي من بعد ه وترى الظالمين لما رأوا العذاب يقولون هل إلى مرد من سبيل وتراهم يعرضون عليها خاشعين من الذل ينظرون من طرف خفي وقال الذين آمنوا إن الخاسرين الذين خسروا أنفسهم وأهليهم يوم القيامة ألا إن الظالمين في عذاب مقيم وما كان لهم من أولياء ينصرونهم من دون الله ومن يضلل الله فما له من سبيل استجيبوا لربكم من قبل أن يأتي يوم لا مرد له من الله ما لكم من ملجأ يومئذ وما لكم من نكير فإن أعرضوا فما أرسلناك عليهم حفيظا إن عليك إلا البلاغ وإنا إذا أذقنا الإنسان منا رحمة فرح بها وإن تصبهم سيئة بما قدمت أيديهم فإن الإنسان كفور لله ملك السماوات والأرض يخلق ما يشاء يهب لمن يشاء إناثا ويهب لمن يشاء الذكور أو يزوجهم ذكرانا وإناثا ويجعل من يشاء عقيما إنه عليم قدير وما كان لبشر أن يكلمه الله إلا وحيا أو من وراء حجاب أو يرسل رسولا فيوحي بإذنه ما يشاء إنه علي حكيم وكذلك أوحينا إليك روحا من أمرنا ما كنت تدري ما الكتاب ولا الإيمان ولكن جعلناه نورا نهدي به من نشاء من عبادنا وإنك لتهدي إلى صراط مستقيم صراط الله الذي له ما في السماوات وما في الأرض ألا إلى الله تصير حم والكتاب المبين إنا جعلناه قرآنا عربيا لعلكم تعقلون وإنه في أم الكتاب لدينا لعلي حكيم أفنضرب عنكم الذكر صفحا أن كنتم قوما مسرفين وكم أرسلنا من نبي في الأولين وما يأتيهم من نبي إلا كانوا به يستهزئون فأهلكنا أشد منهم بطشا ومضى مثل الأولين ولئن سألتهم من خلق السماوات والأرض ليقولن خلقهن العزيز العليم الذي جعل لكم الأرض مهدا وجعل لكم فيها سبلا لعلكم تهتدون والذي نزل من السماء ماء بقدر فأنشرنا به بلدة ميتا كذلك تخرجون والذي خلق الأزواج كلها وجعل لكم من الفلك والأنعام ما تركبون لتستووا على ظهوره ثم تذكروا نعمة ربكم إذا استويتم عليه وتقولوا سبحان الذي سخر لنا هذا وما كنا له مقرنين وإنا إلى ربنا لمنقلبون وجعلوا له من عباده جزءا إن الإنسان لكفور أم اتخذ مما يخلق بنات وأصفاكم بالبنين وإذا بشر أحدهم بما ضرب للرحمن مثلا ظل وجهه مسودا وهو كظيم أو من ينشأ في الحلية وهو في الخصام غير مبين وجعلوا الملائكة الذين هم عباد الرحمن إناثا أشهدوا خلقهم ستكتب شهادتهم ويسألون وقالوا لو شاء الرحمن ما عبدناهم ما لهم بذلك من علم إن هم إلا يخرصون أم آتيناهم كتابا من قبله فهم به مستمسكون بل قالوا إنا وجدنا آباءنا على أمة وإنا على آثارهم مهتدون وكذلك ما أرسلنا من قبلك في قرية من نذير إلا قال مترفوها إنا وجدنا آباءنا على أمة وإنا على آثارهم مقتدون قل أولو جئتكم بأهدى مما وجدتم عليه آباءكم قالوا إنا بما أرسلتم به كافرون فانتقمنا منهم فانظر كيف كان عاقبة المكذبين وإذ قال إبراهيم لأبيه وقومه إنني براء مما تعبدون إلا الذي فطرني فإنه سيهدين وجعلها كلمة باقية في عقبه لعلهم يرجعون بل متعت هؤلاء وآباءهم حتى جاءهم الحق ورسول مبين ولما جاءهم الحق قالوا هذا سحر وإنا به كافرون وقالوا لولا نزل هذا القرآن على رجل من القريتين عظيم أهم يقسمون رحمة ربك نحن قسمنا بينهم معيشتهم في الحياة الدنيا ورفعنا بعضهم فوق بعض درجات ليتخذ بعضهم بعضا سخريا ورحمة ربك خير مما يجمعون ولولا أن يكون الناس أمة واحدة لجعلنا لمن يكفر بالرحمن لبيوتهم سقفا من فضة ومعارج عليها يظهرون ولبيوتهم أبوابا وسررا عليها يتكئون وزخرفا وإن كل ذلك لما متاع الحياة الدنيا والآخرة عند ربك للمتقين ومن يعش عن ذكر الرحمن نقيض له شيطانا فهو له قرين وإنهم ليصدونهم عن السبيل ويحسبون أنهم مهتدون حتى إذا جاءنا قال يا ليت بيني وبينك بعد المشرقين فبئس القرين ولن ينفعكم اليوم إذ ظلمتم أنكم في العذاب مشتركون أفأنت تسمع الصم أو تهدي العمي ومن كان في ضلال مبين فإما نذهبن بك فإنا منهم منتقمون أو نرينك الذي وعدناهم فإنا عليهم مقتدرون فاستمسك بالذي أوحي إليك إنك على صراط مستقيم وإنه لذكر لك ولقومك وسوف تسألون واسأل من أرسلنا من قبلك من رسلنا أجعلنا من دون الرحمن آلهة يعبدون ولقد أرسلنا موسى بآياتنا إلى فرعون وملئه فقال إني رسول رب العالمين فلما جاءهم بآياتنا إذا هم منها يضحكون وما نريهم من آية إلا هي أكبر من أختها وأخذناهم بالعذاب لعلهم يرجعون وقالوا يا أيه الساحر ادع لنا ربك بما عهد عندك إننا لمهتدون فلما كشفنا عنهم العذاب إذا هم ينكثون ونادى فرعون في قومه قال يا قوم أليس لي ملك مصر وهذه الأنهار تجري من تحتي أفلا تبصرون أم أنا خير من هذا الذي هو مهين ولا يكاد يبين فلولا ألقي عليه أسورة من ذهب أو جاء معه الملائكة مقترنين فاستخف قومه فأطاعوه إنهم كانوا قوما فاسقين فلما آسفونا انتقمنا منهم فأغرقناهم أجمعين فجعلناهم سلفا ومثلا للآخرين ولما ضرب ابن مريم مثلا إذا قومك منه يصدون وقالوا أآلهتنا خير أم هو ما ضربوه لك إلا جدلا بل هم قوم خصمون إن هو إلا عبد أنعمنا عليه وجعلناه مثلا لبني إسرائيل ولو نشاء لجعلنا منكم ملائكة في الأرض يخلفون وإنه لعلم للساعة فلا تمترن بها واتبعون هذا صراط مستقيم ولا يصدنكم الشيطان إنه لكم عدو مبين ولما جاء عيسى بالبينات قال قد جئتكم بالحكمة ولأبين لكم بعض الذي تختلفون فيه فاتقوا الله وأطيعون إن الله هو ربي وربكم فاعبدوه هذا صراط مستقيم فاختلف الأحزاب من بينهم فويل للذين ظلموا من عذاب يوم أليم هل ينظرون إلا الساعة أن تأتيهم بغتة وهم لا يشعرون الأخلاء يومئذ بعضهم لبعض عدو إلا المتقين يا عباد لا خوف عليكم اليوم ولا أنتم تحزنون الذين آمنوا بآياتنا وكانوا مسلمين ادخلوا الجنة أنتم وأزواجكم تحبرون يطاف عليهم بصحاف من ذهب وأكواب وفيها ما تشتهيه الأنفس وتلذ الأعين وأنتم فيها خالدون وتلك الجنة التي أورثتموها بما كنتم تعملون لكم فيها فاكهة كثيرة منها تأكلون إن المجرمين في عذاب جهنم خالدون لا يفتر عنهم وهم فيه مبلسون وما ظلمناهم ولكن كانوا هم الظالمين ونادوا يا مالك ليقض علينا ربك قال إنكم ماكثون لقد جئناكم بالحق ولكن أكثركم للحق كارهون أم أبرموا أمرا فإنا مبرمون أم يحسبون أنا لا نسمع سرهم ونجواهم بلى ورسلنا لديهم يكتبون قل إن كان للرحمن ولد فأنا أول العابدين سبحان رب السماوات والأرض رب العرش عما يصفون فذرهم يخوضوا ويلعبوا حتى يلاقوا يومهم الذي يوعدون وهو الذي في السماء إله وفي الأرض إله وهو الحكيم العليم وتبارك الذي له ملك السماوات والأرض وما بينهما وعنده علم الساعة وإليه ترجعون ولا يملك الذين يدعون من دونه الشفاعة إلا من شهد بالحق وهم يعلمون ولئن سألتهم من خلقهم ليقولن الله فأنى يؤفكون وقيله يا رب إن هؤلاء قوم لا يؤمنون فاصفح عنهم وقل سلام فسوف يعلمون حم والكتاب المبين إنا أنزلناه في ليلة مباركة إنا كنا منذرين فيها يفرق كل أمر حكيم أمرا من عندنا إنا كنا مرسلين رحمة من ربك إنه هو السميع العليم رب السماوات والأرض وما بينهما إن كنتم موقنين لا إله إلا هو يحيي ويميت ربكم ورب آبائكم الأولين بل هم في شك يلعبون فارتقب يوم تأتي السماء بدخان مبين يغشى الناس هذا عذاب أليم ربنا اكشف عنا العذاب إنا مؤمنون أنى لهم الذكرى وقد جاءهم رسول مبين ثم تولوا عنه وقالوا معلم مجنون إنا كاشفوا العذاب قليلا إنكم عائدون يوم نبطش البطشة الكبرى إنا منتقمون ولقد فتنا قبلهم قوم فرعون وجاءهم رسول كريم أن أدوا إلي عباد الله إني لكم رسول أمين وأن لا تعلوا على الله إني آتيكم بسلطان مبين وإني عذت بربي وربكم أن ترجمون وإن لم تؤمنوا لي فاعتزلون فدعا ربه أن هؤلاء قوم مجرمون فأسر بعبادي ليلا إنكم متبعون واترك البحر رهوا إنهم جند مغرقون كم تركوا من جنات وعيون وزروع ومقام كريم ونعمة كانوا فيها فاكهين كذلك وأورثناها قوما آخرين فما بكت عليهم السماء والأرض وما كانوا منظرين ولقد نجينا بني إسرائيل من العذاب المهين من فرعون إنه كان عاليا من المسرفين ولقد اخترناهم على علم على العالمين وآتيناهم من الآيات ما فيه بلاء مبين إن هؤلاء ليقولون إن هي إلا موتتنا الأولى وما نحن بمنشرين فأتوا بآبائنا إن كنتم صادقين أهم خير أم قوم تبع والذين من قبلهم أهلكناهم إنهم كانوا مجرمين وما خلقنا السماوات والأرض وما بينهما لاعبين ما خلقناهما إلا بالحق ولكن أكثرهم لا يعلمون إن يوم الفصل ميقاتهم أجمعين يوم لا يغني مولى عن مولى شيئا ولا هم ينصرون إلا من رحم الله إنه هو العزيز الرحيم إن شجرة الزقوم طعام الأثيم كالمهل يغلي في البطون كغلي الحميم خذوه فاعتلوه إلى سواء الجحيم ثم صبوا فوق رأسه من عذاب الحميم ذق إنك أنت العزيز الكريم إن هذا ما كنتم به تمترون إن المتقين في مقام أمين في جنات وعيون يلبسون من سندس وإستبرق متقابلين كذلك وزوجناهم بحور عين يدعون فيها بكل فاكهة آمنين لا يذوقون فيها الموت إلا الموتة الأولى ووقاهم عذاب الجحيم فضلا من ربك ذلك هو الفوز العظيم فإنما يسرناه بلسانك لعلهم يتذكرون فارتقب إنهم مرتقبون حم تنزيل الكتاب من الله العزيز العليم غافر الذنب وقابل التوب شديد العقاب ذي الطول لا إله إلا هو إليه المصير ما يجادل في آيات الله إلا الذين كفروا فلا يغررك تقلبهم في البلاد كذبت قبلهم قوم نوح والأحزاب من بعدهم وهمت كل أمة برسولهم ليأخذوه وجادلوا بالباطل ليدحضوا به الحق فأخذتهم فكيف كان عقاب وكذلك حقت كلمة ربك على الذين كفروا أنهم أصحاب النار الذين يحملون العرش ومن حوله يسبحون بحمد ربهم ويؤمنون به ويستغفرون للذين آمنوا ربنا وسعت كل شيء رحمة وعلما فاغفر للذين تابوا واتبعوا سبيلك وقهم عذاب الجحيم ربنا وأدخلهم جنات عدن التي وعدتهم ومن صلح من آبائهم وأزواجهم وذرياتهم إنك أنت العزيز الحكيم وقهم السيئات ومن تق السيئات يومئذ فقد رحمته وذلك هو الفوز العظيم إن الذين كفروا ينادون لمقت الله أكبر من مقتكم أنفسكم إذ تدعون إلى الإيمان فتكفرون قالوا ربنا أمتنا اثنتين وأحييتنا اثنتين فاعترفنا بذنوبنا فهل إلى خروج من سبيل ذلكم بأنه إذا دعي الله وحده كفرتم وإن يشرك به تؤمنوا فالحكم لله العلي الكبير هو الذي يريكم آياته وينزل لكم من السماء رزقا وما يتذكر إلا من ينيب فادعوا الله مخلصين له الدين ولو كره الكافرون رفيع الدرجات ذو العرش يلقي الروح من أمره على من يشاء من عباده لينذر يوم التلاق يوم هم بارزون لا يخفى على الله منهم شيء لمن الملك اليوم لله الواحد القهار اليوم تجزى كل نفس بما كسبت لا ظلم اليوم إن الله سريع الحساب وأنذرهم يوم الآزفة إذ القلوب لدى الحناجر كاظمين ما للظالمين من حميم ولا شفيع يطاع يعلم خائنة الأعين وما تخفي الصدور والله يقضي بالحق والذين يدعون من دونه لا يقضون بشيء إن الله هو السميع البصير ولقد أرسلنا موسى بآياتنا وسلطان مبين إلى فرعون وهامان وقارون فقالوا ساحر كذاب أفجاءهم بالحق من عندنا قالوا اقتلوا أبناء الذين آمنوا معه واستحيوا نساءهم وما كيد الكافرين إلا في ضلال وقال فرعون ذروني أقتل موسى وليدع ربه إني أخاف أن يبدل دينكم أو أن يظهر في الأرض الفساد وقال موسى إني عذت بربي وربكم من كل متكبر لا يؤمن بيوم الحساب وقال رجل مؤمن من آل فرعون يكتم إيمانه أتقتلون رجلا أن يقول ربي الله وقد جاءكم بالبينات من ربكم وإن يك كاذبا فعليه كذبه وإن يك صادقا يصبكم بعض الذي يعدكم إن الله لا يهدي من هو مسرف كذاب يا قوم لكم الملك اليوم ظاهرين في الأرض فمن ينصرنا من بأس الله إن جاءنا قال فرعون ما أريكم إلا ما أرى وما أهديكم إلا سبيل الرشاد وقال الذي آمن يا قوم إني أخاف عليكم مثل يوم الأحزاب مثل دأب قوم نوح وعاد وثمود والذين من بعدهم وما الله يريد ظلما للعباد ويا قوم إني أخاف عليكم يوم التناد يوم تولون مدبرين ما لكم من الله من عاصم ومن يضلل الله فما له من هاد ولقد جاءكم يوسف من قبل بالبينات فما زلتم في شك مما جاءكم به حتى إذا هلك قلتم لن يبعث الله من بعده رسولا كذلك يضل الله من هو مسرف مرتاب الذين يجادلون في آيات الله بغير سلطان أتاهم كبر مقتا عند الله وعند الذين آمنوا كذلك يطبع الله على كل قلب متكبر جبار وقال فرعون يا هامان ابن لي صرحا لعلي أبلغ الأسباب أسباب السماوات فأطلع إلى إله موسى وإني لأظنه كاذبا وكذلك زين لفرعون سوء عمله وصد عن السبيل وما كيد فرعون إلا في تباب وقال الذي آمن يا قوم اتبعون أهدكم سبيل الرشاد يا قوم إنما هذه الحياة الدنيا متاع وإن الآخرة هي دار القرار من عمل سيئة فلا يجزى إلا مثلها ومن عمل صالحا من ذكر أو أنثى وهو مؤمن فأولئك يدخلون الجنة يرزقون فيها بغير حساب ويا قوم ما لي أدعوكم إلى النجاة وتدعونني إلى النار تدعونني لأكفر بالله وأشرك به ما ليس لي به علم وأنا أدعوكم إلى العزيز الغفار لا جرم أنما تدعونني إليه ليس له دعوة في الدنيا ولا في الآخرة وأن مردنا إلى الله وأن المسرفين هم أصحاب النار فستذكرون ما أقول لكم وأفوض أمري إلى الله إن الله بصير بالعباد فوقاه الله سيئات ما مكروا وحاق بآل فرعون سوء العذاب النار يعرضون عليها غدوا وعشيا ويوم تقوم الساعة أدخلوا آل فرعون أشد العذاب وإذ يتحاجون في النار في

Presented by: Rana Jabir Abbas

[illegible]

jabir.abbas@yahoo.com

[illegible]

Contact : jabir.abbas@yahoo.com

http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com

http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com

http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com

http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com

http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com

http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com

http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com

http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com
http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

خوارزم عن سليمان راعي رسول الله صلى الله عليه وآله قال سمعت رسول الله صلى الله عليه وآله يقول ليلة أسري بي إلى السماء قال لي الجليل جل جلاله آمن
الرسول بما أنزل إليه من ربه فقلت والمؤمنون فقال صدقت يا محمد من خلفت في أمتك قلت خيرها قال علي بن أبي طالب
قلت نعم يا رب قال يا محمد إني اطلعت إلى الأرض اطلاعة فاخترتك منها فشققت لك اسماً من أسمائي فلا أذكر في موضع إلا ذكرت
معي فأنا المحمود وأنت محمد ثم اطلعت الثانية فاخترت علياً وشققت له اسماً من أسمائي فأنا الأعلى وهو علي يا محمد إني
خلقتك وخلقت علياً وفاطمة والحسن والحسين والأئمة عليهم السلام من ولده من نور من نوري وعرضت ولايتكم على أهل السماوات وأهل الأرض
فمن قبلها كان من المؤمنين ومن جحدها كان من الكافرين يا محمد لو أن عبداً من عبيدي عبدني حتى ينقطع ويصير
كالشن البالي ثم أتاني جاحداً لولايتكم ما غفرت له يا محمد تحب أن تراهم قلت نعم يا رب قال التفت عن يمين العرش فالتفت
فإذا أنا بعلي وفاطمة والحسن والحسين وعلي بن الحسين ومحمد بن علي وجعفر بن محمد وموسى بن جعفر وعلي بن
موسى ومحمد بن علي وعلي بن محمد والحسن بن علي والمهدي في ضحضاح من نور قيام يصلون وهو في وسطهم يعني المهدي
كأنه كوكب دري فقال يا محمد هؤلاء الحجج وهو الثائر من عترتك وعزتي وجلالي إنه الحجة الواجبة لأوليائي والمنتقم من أعدائي وفي
[illegible] بإسناده عن جابر بن عبد الله الأنصاري قال سمعت رسول الله صلى الله عليه وآله يقول إن الله تعالى خلقني وخلق علياً وفاطمة والحسن والحسين
والأئمة عليهم السلام من نور واحد فعصر ذلك النور عصرة فخرج منها شيعتنا فسبحنا فسبحوا وقدسنا فقدسوا وهللنا فهللوا ومجدنا فمجدوا
ووحدنا فوحدوا [illegible] شيعتنا فوحدت الملائكة [illegible] وكانت الملائكة لا تعرف تسبيحاً ولا تقديساً ولا تهليلاً من قبل تسبيحنا
وتسبيح شيعتنا فنحن الموحدون حين لا موحد غيرنا وحقيق على الله كما اختصنا واختص شيعتنا أن [illegible] شيعتنا في أعلى عليين إن الله اصطفانا
واصطفى شيعتنا من قبل أن نكون أجساماً فدعانا وأجبنا فغفر لنا ولشيعتنا من قبل أن نستغفر الله وفي كتاب التوحيد عن أبي يعفور عن أبي
عبد الله عليه السلام أن الله واحد أحد متوحد بالوحدانية متفرد بأمره خلق خلقاً ففوض إليهم أمر دينه فنحن هم يا ابن أبي يعفور نحن حجة الله
على عباده وشهداؤه على خلقه وأمناؤه على وحيه وخزانه على علمه ووجهه الذي يؤتى منه وعينه في بريته ولسانه الناطق وقلبه الواعي و
بابه الذي يدل عليه نحن العاملون بأمره والداعون إلى سبيله بنا عرف الله وبنا عبد الله نحن الأدلاء على الله ولولانا ما عبد الله وفي
كتاب التوحيد عن أبي عبد الله عليه السلام قال إن أمير المؤمنين قال أنا علم الله وأنا قلب الله الواعي ولسان الله الناطق وعين الله وجنب الله
وأنا يد الله روى شيخنا المفيد بإسناده عن أم سلمة رضي قالت قال رسول الله صلى الله عليه وآله لعلي يا علي إن محبيك ليعرفون في ثلاث
مواطن عند خروج أنفسهم [illegible] وهو الذي [illegible] وذلك النور الذي لم يتدنس
والسر المخفي الذي [illegible] العاقل اللبيب [illegible] الملك كيف
يجمع صورته ويلبس صورة [illegible]
[illegible]
[illegible]

الثاني

أشار ابن أبي جمهور فقال [illegible] وكم من شبهة [illegible] أمير المؤمنين عليه السلام [illegible] الموجودات وخليفة رب
البريات وقوام [illegible] الآية الكبرى ونسبتها إلى الموجودات نسبة اسم الأعظم إلى الأسماء ونسبة
الألف إلى سائر الحروف ونسبة الواحد إلى الأعداد ونسبة [illegible] والذي منه به حيوة كل شيء بسم الرحمن الرحيم
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] قال رسول الله صلى الله عليه وآله علي في السماوات [illegible] كالشمس بالنهار في الأرض وفي سماء الدنيا
كالقمر بالليل في الأرض [illegible]
[illegible] سليمان بن داود [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] علي بن أبي طالب عليه السلام [illegible]
أنه قال [illegible] بعد رسول الله صلى الله عليه وآله أفضل من جعفر بن أبي طالب [illegible]
[illegible] علي بن الحسين عليه السلام فقلت له كيف أصبحت يا ابن
بنت رسول الله صلى الله عليه وآله قال أصبحنا والله بمنزلة بني إسرائيل من آل فرعون يذبحون أبناءهم ويستحيون نساءهم
وأصبح خير البرية بعد رسول الله صلى الله عليه وآله [illegible] محمد بن [illegible] بن ياسر [illegible]

قال سمعت علي بن أبي طالب عليه السلام يقول دخل رسول الله صلى الله عليه وآله [illegible] بيا رسول الله صلى الله عليه وآله [illegible]
[illegible] قال نزل جبرئيل عليه السلام ثم قرأ فإن الله هو مولاه و
جبريل وصالح المؤمنين والملائكة بعد ذلك ظهير وفي [illegible]
[illegible] عليهم السلام [illegible] أمير المؤمنين عليه السلام [illegible] رسول الله صلى الله عليه وآله ثم قال [illegible]
أقسم الله سبحانه [illegible] عليه السلام [illegible] عن أبي الحسن الرضا عليه السلام [illegible]
أمير المؤمنين عليه السلام [illegible] أمير المؤمنين عليه السلام [illegible]
كما تقدم بيانه في قوله تم [illegible] في خطبة البيان [illegible] الأخبار و
في كتاب أسرار الإمامة [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
وفي المجالس عن ابن عباس قال قال رسول الله صلى الله عليه وآله [illegible]
علي بن أبي طالب عليه السلام [illegible]
[illegible]
[illegible] أمير المؤمنين [illegible] إمام المسلمين لا يقبل الله الأعمال إلا بولايته وطاعته [illegible]

[illegible]

[illegible] الحسين عليه السلام [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] أمير المؤمنين عليه السلام [illegible]
[illegible] فقال يا رسول الله صلى الله عليه وآله [illegible] في السماء قبل خلق آدم عليه السلام [illegible]
في السماء [illegible] كالشمس [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

Contact : jabir.abbas@yahoo.com
http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com

http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

Contact : jabir.abbas@yahoo.com
http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com

http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

والامانة واعظمها فرضا قضاء حقوق الاخوان في الله واستعمال التقية من اعداء الله عز وجل قال رسول الله صلى الله عليه وآله مثل مؤمن لا تقية له كمثل
جسد لا رأس له ومثل مؤمن لا يرعى حقوق اخوانه المؤمنين كمثل من حواسه كلها صحيحة فهو لا يتأمل بعقله ولا يبصر بعينه ولا يسمع باذنه ولا يعبر بلسانه عن حاجته
ولا يدفع المكاره عن نفسه بالادلاء بحججه ولا يبطش لشيء بيديه ولا ينهض الى شيء برجليه فذلك قطعة لحم قد فاتته المنافع وصار غرضا لكل
المكاره فكذلك المؤمن اذا جهل حقوق اخوانه فاته ثواب حقوقهم فكان كالعطشان بحضرة الماء البارد فلم يشرب حتى طفى بمنزلة
ذي الحواس لم يستعمل شيئا منها لدفاع المكروه ولا لانتفاع المحبوب فاذا هو سليب كل نعمة مبتلى بكل آفة وفي تفسير قوله تعالى ولقد آتينا
موسى الكتاب قالوا يا رسول الله صلى الله عليه وآله اخبرنا عن علي هو افضل ام ملائكة الله المقربون فقال رسول الله صلى الله عليه وآله وهل شرفت
الملائكة الا بحبها لمحمد وعلي عليهم السلام وقبولها لولايتهما انه لا احد من محبي علي عليه السلام نظف قلبه من قذر الغش والدغل والغل ونجاسات
الذنوب الا كان اطهر وافضل من الملائكة وهل امر الله الملائكة بالسجود لآدم الا لما كانوا قد وضعوه في نفوسهم انه لا يصير في الدنيا خلق بعدهم اذا رفعوا
عنها الا وهم يعنون انفسهم افضل منه في الدين فضلا وعلما بالله فارا وأراد ان يعرفهم انهم اخطأوا في ظنونهم واعتقاداتهم فخلق آدم وعلمه الاسماء
كلها ثم عرضها عليهم فعجزوا عن معرفتها الى ان قال عليه السلام علي وصي رسول الله ومحض وداده وخير خلق الله بعد محمد رسول الله صلى الله عليه وآله
وفي تفسير قوله تعالى قالوا قلوبنا غلف فقال لآدم فكيف اصنع يا رب حتى اكون لها اتقبل توبتي فقال الله عز وجل تستنجي بما انا ابلوه وتعرف
بخطيئتك كما انت ابله وتوسل الي بالفاضلين الذين علمتك اسمائهم وفضلتك بهم على ملائكتي وهم محمد وآله الطيبين واصحابه الخيرين
وفي تفسير قوله ولما جاءهم كتاب موسى من عند الله قال الامام مصدق ذلك الكتاب لما معهم من التوراة التي بين فيها
ان محمدا الامي من ولد اسمعيل المؤيد بخير خلق الله بعده علي ولي الله وفي تفسير قوله واذا قيل لهم آمنوا بما انزل الله فكذلك فرض الله الايمان
بولاية علي بن ابي طالب عليه السلام كما فرض الايمان بمحمد فمن قال آمنت بنبوة محمد وكفرت بولاية علي فما آمن بنبوة محمد صلى الله عليه وآله ولقد
جاءكم موسى بالبينات قال ابو يعقوب قلت للامام عليه السلام فهل كان لرسول الله وامير المؤمنين عليهم السلام آيات تضاهي آيات
موسى فقال عليه السلام علي نفس رسول الله وآيات رسول الله صلى الله عليه وآله آيات علي وآيات علي آيات رسول الله وفي تفسير قل من كان عدوا
لجبرئيل اما ما كان من انتصاب هؤلاء من رسول الله صلى الله عليه وآله لما كان لا يزال يقول في علي عليه السلام الفضائل التي خصه الله عز وجل بها
والشرف الذي اهله الله تعالى ويقول في بعض ذلك يقول اخبرني به جبرئيل عن ربه ويقول في بعض ذلك ميكائيل عن يساره ويفتخر جبرئيل على ميكائيل انه عن يمين علي
الذي هو افضل من اليسار كما يفتخر نديم الملك العظيم في الدنيا يجلسه الملك عن يمينه على النديم الآخر الذي يجلسه على يساره ويفتخران
على اسرافيل الذي خلفه بالخدمة وملك الموت الذي امامه بالخدمة وان اليمين والشمال اشرف من ذلك كافتخار ندماء الملك على
زيادة قربهم ومحلهم من ملكهم وكان رسول الله صلى الله عليه وآله يقول في بعض احاديثه ان الملائكة اشرفها عند الله اشدها حبا لعلي بن ابي طالب
وان قسم الملائكة فيما بينهم والذي شرف عليا على جميع عبيده بعد محمد المصطفى صلى الله عليه وآله ويقول مرة ملائكة السماوات والحجب ليشتاقون
الى رؤية علي بن ابي طالب عليه السلام كما تشتاق الوالدة الشفيقة الى ولدها البار الشفيق وفي تفسير هذه الآية قال رسول الله صلى الله عليه وآله
والذي بعثني بالحق نبيا انكم لن تؤمنوا حتى يكون محمد وآله احب اليكم من انفسكم واهليكم ومن في الارض جميعا ثم دعا بعلي وفاطمة و

الحسن والحسين

والحسن والحسين عليهم السلام فغمهم بعباءة القطوانية ثم قال هؤلاء خمسة لا سادس لهم من البشر ثم قال انا حرب لمن حاربهم وسلم لمن سالمهم فقالت
ام سلمة ورفعت جانب العباءة لتدخل فكفها رسول الله صلى الله عليه وآله وقال لست هناك وان كنت في خير والى خير فانقطع عنها طمع البشر فكان
جبرئيل معهم فقال يا رسول الله انا سادسكم فقال رسول الله صلى الله عليه وآله نعم انت سادسنا فارتفع السماوات وقد كساه الله من زيادة الانوار
ما كادت الملائكة لا تثبته حتى قال بخ بخ من مثلي انا جبرئيل سادس محمد وعلي وفاطمة والحسن والحسين عليهم السلام وذلك ما فضل الله به جبرئيل على
سائر الملائكة في الارضين والسماوات قال تناول رسول الله صلى الله عليه وآله الحسن بيمينه والحسين بشماله فوضع هذا على كاهله الايمن وهذا على كاهله
الايسر ثم وضعهما على الارض فمشى بعضهما على بعض يتجاذبان ثم اصطرعا فجعل رسول الله صلى الله عليه وآله يقول للحسن ايها يا ابا محمد فيقوى الحسن فيكاد
يغلب الحسين عليه السلام فقالت فاطمة يا رسول الله تشجع الكبير على الصغير فقال لها رسول الله صلى الله عليه وآله يا فاطمة اما ان جبرئيل وميكائيل كلما قلت
للحسن ايها يا ابا محمد قالا للحسين ايها يا ابا عبد الله فلذلك تقاوما وتساويا اما ان الحسن والحسين عليهم السلام كان يقول رسول الله صلى الله عليه وآله
للحسن ايها يا ابا محمد ويقول جبرئيل ايها يا ابا عبد الله لو رام كل واحد منهما حمل الارض بما عليها من جبالها واحجارها وتلالها وسائر ما على ظهرها
لكان اخف عليهما من شعرة على ابدانهما وانما تقاوما لان كل واحد نظير الآخر قال رسول الله صلى الله عليه وآله هذان نور عيني هذان ثمرة فؤادي
هذان سندا ظهري هذان سيدا شباب اهل الجنة من الاولين والآخرين وابوهما خير منهما وجدهم رسول الله خير جميعهم وفي تفسير قوله ولقد
انزلنا اليك آيات بينات وما يكفر بها الا الفاسقون قال الامام عليه السلام ولقد انزلنا اليك يا محمد آيات دالات على صدقك
في نبوتك وبينات على امامة اخيك ووصيك موضحات عن كفر من شك فيك وفي اخيك او قابل امر كل واحد منكما بخلاف القبول
والتسليم ثم قال وما يكفر بها بهذه الآيات الدالات على تفضيلك وتفضيل علي بعدك على جميع الورى الا الفاسقون عن دين الله وطاعته من
اليهود الكاذبين والنواصب المتسمين بالمسلمين وفي تفسير الآية انه فقال رسول الله صلى الله عليه وآله انظر يا ابا بكر فنظر الى آفاق السماء فرأى املاكا
من نار على افراس من نار بايديهم رماح من نار كل ينادي يا محمد مرنا بامرك في مخالفيك فلنحطمهم ثم قال تسمع على الارض فتسمع فاذا هي
تنادي يا محمد مرني بامرك في اعدائك امتثل امرك ثم قال تسمع على الجبال فتسمعها تنادي يا محمد مرنا بامرك في اعدائك نهلكهم ثم قال تسمع
على البحار فاحضرت البحار بحضرته وصاحت امواجها يا محمد مرنا بامرك في اعدائك نمتثل ثم سمع السماء والارض والجبال والبحار كل يقول يا محمد ما امرك
ربك بدخول الغار لعجزك عن الكفار ولكن امتحانا وابتلاء ليتخلص الخبيث من الطيب من عباده وامائه بأناتك وصبرك وحلمك يا محمد من وفى
بعهدك ونصرك ووفاك في الجنان ومن نكث فانما ينكث على نفسه فهو من قرناء ابليس اللعين في طبقات النيران ثم قال رسول
الله صلى الله عليه وآله لعلي يا علي انت مني بمنزلة السمع والبصر والرأس من الجسد والروح من البدن حببت الي كالماء البارد الى ذي غلة وفي
تفسير قوله تعالى يا ايها الذين آمنوا لا تقولوا راعنا قال رسول الله صلى الله عليه وآله لعلي عليه السلام اما يكفيك انك جلدة ما بين عيني
ونور بصري فكالروح في بدني وفي تفسير هذه الآية قال رسول الله صلى الله عليه وآله للزبير وسماك امضيا الى باب قصر اكيدر فخذاه وائتياني
به قال الزبير يا رسول الله صلى الله عليه وآله كيف آتيك به ومعه من الجيوش التي قد علمت ومعه في قصره سوى حشمه الف وما يتبعه من عبد وامة وخادم
عليكما بالصلوة على محمد وآله الطيبين معتقدين ان افضل آله علي بن ابي طالب عليه السلام وتعتقد انت يا زبير خاصة انه لا يكون علي في قوم

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com

http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com

http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com

http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com

http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com

http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com

http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com

http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

ان العبد لا ينبغي ان لا يطمئن قلبه لا بمرتبة العليا ولا بمرتبة الاولياء ولا بمرتبة الزهاد لان الله تعالى ربما يزين اعدائه بلباس اوليائه واصفيائه
حتى انهم يغترون بسعادة الاوقات ويحسبون انهم من اهل ولاية الله تعالى فهذا المهم من الله استدراج ثم لا يتركهم الله كذلك بل يرد بهم الى حقائق ميراثهم
وربما يزينهم بلباس العز والجاه والرياسة والمنزلة عند الناس حتى انهم يغترون بثناء الناس ومدحهم ويحسبون انهم من اهل فضله فهذا ايضا استدراج
من الله لهم ثم لا يتركهم في العز والجاه الى حقائق علومهم وكذلك ربما يزينهم بانواع العلوم والفصاحة وانفتاح الخواطر بانواع اللطائف والحكمة قال تعالى
سنستدرجهم من حيث لا يعلمون فهذا ما كدر عيش المريدين في دار الدنيا حتى دام كدهم واصفرت الوانهم وذابت نفوسهم وفقدوا انس بين
الخلائق حتى لا يخالطوهم واكثر الناس من هذا غافلون ووجب على كل ذي عقل وعرفان ان يحذر مولاه كما حذره نفسه بقوله سبحانه ويحذركم الله
نفسه واعلموا ان الله يعلم ما في انفسكم فاحذروه وقال النبي صلى الله عليه وسلم المؤمن لا يسكن اضطرابه ولا يأمن روعته حتى يجوز جسر
جهنم وقال يحيى بن معاذ ان الله تعالى غيب اشياء في اشياء غيب مكره في حلمه وخداعه في لطفه وعدله في كرمه وخذلانه في انواع نعمه وسخطه في جميل
ستره وقطيعته في امهاله فينبغي للعبد ان لا يعتمد على حسن اوقاته وكثرة حسناته فكم من احد تراه في زي المريدين وهو في علم الله من المطرودين
ولا تشعر ان الله تعالى ربما يزين عدوه بلباس اوليائه ثم يرده في آخر الامر الى بعده وربما يكسو وليه لباس اعدائه ثم يرده في آخر الامر الى حقائق قربه لانه هو
يبدئ ويعيد يخفي على اوليائه صفات اعدائه وعلى اعدائه صفات اوليائه ثم يرد بهم الى حقائق معرفته وهو الفعال لما يريد الا ترى بلعام كان
في اهل عداوته ثم ادخله في اهل فضله الا ترى ان ابليس خبأ عظمته وهو في سابق علم الله من اهل لعنته فستر عليه ما سبق منه اليه حتى اظهره عليه في حالته
وكذلك زين بلعام بانوار ولايته وهو عند الله من اهل نقمته وغرق قارون في بحر نقمته وهو عند الله من اهل سخطه وقال ابو عبد الله لا يغرنك
عن الله اربعة اشياء اظهاره لك ما لم تعلم وستره عليك ما قد علمت وزيادته لك ما لم تشكره وعطاؤه اياك ما لم تسأله فانما اراد الله تنبيها
لك او استدراجا عليك واعلم ان استدراج اهل الدنيا الركون اليها والاعراض عن الله تعالى واستدراج اهل العلم طلب الجاه والمنزلة
عند الخلق واستدراج اهل الاجتهاد الاستكبار والاعجاب به واستدراج المريدين تطلعهم الى العطايا والكرامات وسكونهم اليها واستدراج العارفين
استغناؤهم بالمعرفة دون المعروف حتى جعلوا الحاجة غاية وظنوا انهم قد حصلوا الكل من كانت منزلة ودرجة عن كان استدراجه
اعظم وادق وقال ابو سعيد الخراز انك لو كنت تركت الدنيا فافتخرت بتركها فالفخر اعظم

ای عزیز مقامات سلوک را خواجه نصیر الدین ره در اوصاف الاشراف باتمام ذکر نموده است ولیکن حسب الحضر ذکر المقامات
المذکورة واستشهد علیها من الکتاب ای عزیز فان درجات السلوک تنتهی الی مائة درجة کل درجة منها مقام من المقامات التی یصل الیها اهل السلوک
والسیر الی الله واما السیر والسلوک فی الله فدرجاته ومقاماته غیر متناهیة   الیقظة قال الله تعالی قل انما اعظکم بواحدة ان تقوموا لله
التوبة قال الله تعالی یا ایها الذین آمنوا توبوا الی الله توبة نصوحا   المحاسبة قال الله تعالی اقرأ کتابک کفی بنفسک الیوم علیک حسیبا
الانابة قال تعالی وانیبوا الی ربکم واسلموا له من قبل ان یأتیکم العذاب   التفکر قال تعالی وانزلنا الیک الذکر لتبین للناس
ما نزل الیهم ولعلهم یتفکرون   التذکر قال تعالی وما یذکر الا اولوا الالباب   الاعتصام قال تعالی واعتصموا بحبل
الله جمیعا   الفرار قال الله تعالی ففروا الی الله ومعناه التوجه الیه   الریاضة قال تعالی والذین یؤتون ما آتوا وقلوبهم

وجلة   السماع قال الله تعالی ولو علم الله فیهم خیرا لاسمعهم والمراد الاستماع   الحزن قال الله تعالی تولوا واعینهم تفیض من الدمع حزنا   الخوف
قال تعالی انا نخاف من ربنا یوما عبوسا قمطریرا قال تعالی انا کنا من قبل فی اهلنا مشفقین   الخشوع قال تعالی الم یأن للذین آمنوا ان تخشع
قلوبهم لذکر الله   الاخبات قال تعالی وبشر المخبتین   الزهد قال تعالی ولا تمدن عینیک الی ما متعنا به ازواجا منهم زهرة الحیوة الدنیا
الورع قال تعالی وثیابک فطهر والرجز فاهجر   التبتل قال تعالی وتبتل الیه تبتیلا والتبتل الانقطاع بالکلیة الیه تعالی   الرجاء قال تعالی لمن
کان یرجو الله والیوم الآخر   الرغبة قال تعالی یدعوننا رغبا ورهبا والرغبة المیل والرهبة الخوف   الرعایة قال تعالی فما رعوها حق رعایتها
وهو امر بحق الرعایة   المراقبة قال تعالی فارتقب انهم مرتقبون وهی دوام ملاحظة المقصود   الحرمة قال تعالی ومن یعظم حرمات الله فهو خیر
له   الاخلاص قال تعالی الا لله الدین الخالص والخالص هو الخالی من الغش   التهذیب قال تعالی قد افلح من زکیها وقد خاب من دسیها
والتزکیة التهذیب   الاستقامة قال تعالی قالوا ربنا الله ثم استقاموا تتنزل علیهم الملائکة   التوکل قال تعالی وعلی الله فلیتوکل المؤمنون
التفویض قال الله تعالی وافوض امری الی الله   الثقة قال تعالی فاذا خفت علیه فالقیه فی الیم ولا تخافی غایة من الثقة   التسلیم قال تعالی فلا وربک
لا یؤمنون حتی یحکموک فیما شجر بینهم ویسلموا تسلیما   الصبر قال تعالی واصبر وما صبرک الا بالله   الرضا قال تعالی رضی الله عنهم
ورضوا عنه والرضا باب الله الاعظم   الشکر قال تعالی ولئن شکرتم لازیدنکم ولئن کفرتم ان عذابی لشدید   الحیاء قال تعالی ان
الله لا یستحیی ان یضرب مثلا ما بعوضة فما فوقها   الصدق قال تعالی فلو صدقوا الله لکان خیرا لهم   الایثار قال تعالی ویؤثرون
علی انفسهم ولو کان بهم خصاصة   الخلق قال تعالی انک لعلی خلق عظیم وقال تخلقوا باخلاق الله   التواضع قال تعالی وعباد الرحمن
الذین یمشون علی الارض هونا   الفتوة قال تعالی انهم فتیة آمنوا بربهم وزدناهم هدی   الانبساط قال تعالی اتهلکنا بما
فعل السفهاء منا ان هی الا فتنتک   القصد قال تعالی ومن یخرج من بیته مهاجرا الی الله ورسوله ثم یدرکه الموت   العزم قال تعالی
فاذا عزمت فتوکل علی الله ان الله یحب المتوکلین   الارادة قال تعالی یرید الله بکم الیسر ولا یرید بکم العسر   الادب قال تعالی والحافظون
لحدود الله   الیقین قال تعالی واعبد ربک حتی یأتیک الیقین   الانس قال تعالی واذا سألک عبادی عنی فانی قریب والقرب موجب للانس
الذکر قال تعالی واذکر ربک اذا نسیت ای اذا نسیت نفسک بالفناء   الفقر قال تعالی انتم الفقراء الی الله والفقر نهایة الفناء
المؤدی الی البقاء   الغنی قال تعالی ووجدک عائلا فاغنی   الاحسان قال تعالی هل جزاء الاحسان الا الاحسان   العلم قال تعالی وعلم آدم
الاسماء کلها واتقوا الله ویعلمکم الله وآتیناه من لدنا علما   الحکمة قال تعالی ومن یؤت الحکمة فقد اوتی خیرا کثیرا   ومن کان یرجوا
لقاء ربه   البصیرة قال تعالی قل هذه سبیلی ادعو الی الله علی بصیرة انا ومن اتبعنی   الفراسة قال تعالی ان فی ذلک لآیات للمتوسمین
التعظیم ومن یعظم حرمات الله قال تعالی ما لکم لا ترجون لله وقارا   الالهام قال تعالی ونفس وما سویها فالهمها فجورها
وتقویها   السکینة قال تعالی هو الذی انزل السکینة فی قلوب المؤمنین لیزدادوا ایمانا مع ایمانهم والسکینة الطمانینة
الهمة قال تعالی قاب قوسین او ادنی فاوحی الی عبده ما اوحی وهذا غایة الهمة   المحبة قال تعالی فسوف یأتی الله بقوم یحبهم ویحبونه
الغیرة قال تعالی رب لا تذر علی الارض من الکافرین دیارا وهذا غایة الغیرة   الشوق قال تعالی من کان یرجو لقاء الله فان

jabir.abbas@yahoo.com
Contact : jabir.abbas@yahoo.com
http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

اجل الله لآت وهو السميع العليم الشوق قال تعالى وعجلت اليك رب لترضى [illegible] العطش قال تعالى يحسبه الظمآن
ماء حتى اذا جاءه لم يجده شيئا الوجد قال تعالى ووجد الله عنده فوفاه حسابه والله سريع الحساب الدهش قال تعالى فلما رأينه اكبرنه
وقطعن ايديهن الهيمان قال تعالى فلما تجلى ربه للجبل جعله دكا وخر موسى صعقا البرق قال تعالى فلما رأى نارا فقال لاهله
امكثوا اني آنست نارا لعلي آتيكم منها بقبس الذوق قال تعالى ذق انك انت العزيز الكريم [illegible] اللحظ قال
انظر الى الجبل فان استقر مكانه فسوف تراني الوقت قال تعالى ثم جئت على قدر يا موسى [illegible] الصفاء قال
تعالى وانهم عندنا لمن المصطفين الاخيار [illegible] السرور قال تعالى قل بفضل الله وبرحمته فبذلك فليفرحوا
السر قال تعالى هو الذي يعلم السر واخفى [illegible] النفس قال تعالى فلما افاق قال سبحانك اني تبت اليك
[illegible] الغربة قال ومن يخرج من بيته مهاجرا الى الله ورسوله ثم يدركه الموت فقد وقع اجره على الله الغرق قال تعالى
اخرقتها لتغرق اهلها لقد جئت شيئا امرا الغيبة قال تعالى وتولى عنهم وقال يا اسفى على يوسف التمكن قال وكذلك مكنا
ليوسف في الارض ولنعلمه من تأويل الاحاديث المكاشفة قال تعالى فكشفنا عنك غطاءك فبصرك اليوم حديد المشاهدة
قال تعالى ان في ذلك لذكرى لمن كان له قلب او القى السمع وهو شهيد المعاينة قال تعالى ما كذب الفؤاد ما رأى افتمارونه على ما يرى
[illegible] قال تعالى اومن كان ميتا فاحييناه وجعلنا له نورا يمشي به في الناس القبض قال تعالى ثم قبضناه الينا قبضا يسيرا البسط قال تعالى
بل يداه مبسوطتان السكر قال تعالى [illegible] الصحو قال تعالى فلما افاق قال سبحانك اني تبت
اليك [illegible] الاتصال قال تعالى ثم دنى فتدلى فكان قاب قوسين او ادنى الانفصال قال تعالى هذا فراق بيني
[illegible] المعرفة قال تعالى ترى اعينهم تفيض من الدمع مما عرفوا من الحق الفناء قال تعالى كل من عليها فان ويبقى وجه ربك ذو
الجلال والاكرام البقاء قال تعالى والله خير وابقى [illegible] التحقيق قال تعالى اولم تؤمن قال بلى ولكن ليطمئن قلبي
التلبيس قال تعالى ولو جعلناه ملكا لجعلناه رجلا وللبسنا عليهم ما يلبسون الوجود قال تعالى [illegible]
[illegible] التجريد قال تعالى اخلع نعليك [illegible] التفريد قال
تعالى ثم ذرهم في خوضهم يلعبون [illegible] الجمع قال تعالى وما رميت اذ رميت ولكن الله رمى
التوحيد قال تعالى شهد الله انه لا اله الا هو والملائكة واولوا العلم قائما بالقسط [illegible]
[illegible]

لا يتنا

[illegible]

[illegible]

[illegible]

Contact : jabir.abbas@yahoo.com
http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com

http://fb.com/ranajabirabbas

Presented by: Rana Jabir Abbas

jabir.abbas@yahoo.com

Contact : jabir.abbas@yahoo.com

http://fb.com/ranajabirabbas